

رزمندگان انقلاب، تاپیروزی نهایی بر تجاوزگران صدامی، قهرمانان می جنگند

دروود پر شور بر پاسداران انقلاب، بر نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران و به همه هموطنانی که با قهرمانی و نثار جان خود، آماده اند تا دشمن تجاوزکار را از خاک میهن انقلابی بیرون برانند

از جبهه های جنگ با تجاوزگران صدامی در غرب و جنوب کشور، پیامی اخبار شادی بخشی میرسد. موافق این اخبار، رزمندگان دلاور انقلاب در جبهه های نبرد رویارو با دشمنی که به اشاره و حمایت دشمن اصلی خلق های جهان امپریالیسم آمریکا، بوطن انقلابی ما حمله کرده است، در يك تهاجم غافلگیرکننده، ضربات جدی زده اند و عملیات گسترده ای را برای بیرون راندن دشمن متجاوز از خاک میهن آغاز کرده اند.

آغاز عملیات تهاجمی ایران علیه دشمن تجاوزکار، که با هماهنگی کامل پاسداران انقلاب، نیروهای سه گانه ارتش و نیروهای مردمی انجام شده است، بخشی دیگر از حماسه آفرینی خلق قهرمان ایران در جبهه های جنگ تحمیلی به ایران است.

نورالدین کیانوری
«پرسش و پاسخ»
تشدید مبارزه
ضد امپریالیستی
و تعمیق
دمکراسی
مردمی مکمل
یکدیگرند
صفحه ۲



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۱۴
پنجشنبه ۱۸ دی ۱۳۵۹، مطابق با
اربع اول ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

پیرزاد نبوی:

آمریکا همیشه مشغول توطنه علیه انقلاب ایران بوده، هست و خواهد بود

عناصر سودجو مخالف کنترل دولت بر اقتصاد کشور اند
«گروگانها» وقتی آزاد میشوند که شرایط مجلس از طرف آمریکا پذیرفته شود.

بهرزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی و سخنگوی دولت، بعد از ظهر روز گذشته، در يك مصاحبه مطبوعاتی، به نقش عناصر سودجو و منفعت طلب در اقتصاد ایران اشاره کرد و گفت: «هرچه دولت بخواهد در زمینه مسائل اقتصادی نقش فائوری را بعهده گیرد، این عناصر، که منافع خودشان را در عدم کنترل دولت به اقتصاد مملکت می بینند، ناراحت میشوند».

در ادامه تهاجم گسترده نیروهای انقلاب

تجاوزگران صدامی، در اکثر جبهه های جنوب و غرب مجبور به عقب نشینی شدند

۲ فروردین هوایمای تجاوزگران صدامی در منطقه اهواز سرتکون شد.
دشمن در منطقه گیلانقرب، چندین کیلومتر عقب رانده شد.

در ادامه تهاجم وسیع و بیروزمندانانه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به

به هشداری باش سپاه پاسداران انقلاب پاسخ مثبت دهیم

ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در ارتباط با توطئه های امپریالیسم جنایتکار آمریکا در داخل کشور برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران، طی اطلاعیه ای از همگان دعوت کرده است که هرگونه اطلاع یا خبر در مورد فعالیت های عمال ضدانقلاب و نیز فعالیتها و رفت و آمدهای مشکوک را، از طریق شماره تلفن ۸۳۱۱۱۱، به دفتر خبر ستاد مرکزی سپاه پاسداران اطلاع دهند.

«نامه مردم»: ما خشنودی خود را از هشداری باش سپاه پاسداران انقلاب، که گویای هوشیاری نیروهای مسئول و مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه های امپریالیسم آمریکاست، اعلام میداریم و از همه اعضاء و هواداران حزب میخواهیم که به این هشداری باش و توصیه منتشره در آن پاسخ مثبت دهند و مانند همیشه، صمیمانه در جهت کشف و خنثی کردن توطئه های عمال آشکار و نهان امپریالیسم آمریکا، با سپاه پاسداران انقلاب همکاری کنند.

جنوب و غرب کشور شد. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه ای شماره ۳۶۴ و ۳۶۵ خود، قسمتی از عملیات انجام شده در روز ۱۶ دیماه را اعلام کرده است. در اطلاعیه شماره ۳۶۴ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران از جمله آمده است: «۱- در ساعت ۹:۴۵ دیروز (۱۶ دیماه) دشمن با آتش شدید به یسکانهای خودی در منطقه فارسیات تیراندازی کرد، که با مقاومت و پایداری رزمندگان اسلام و اجرای آتش شدید توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران مواجه شد. دشمن مزدور که از پاسخ دلورانه مدافعان دین و میهن سرگردان و حیران مانده بود، با تحمل تلفات و ضایعات زیاد، ناچار به عقب نشینی شد.

۲- ساعت ۱۶:۳۵ دیروز (۱۶ دیماه) هلیکوپترهای هواپیمایی

بقیه در صفحه ۲

ضرورت پاکسازی، بگونه ای دیگر

بایروزی انقلاب، پاکسازی در ادارات دولتی و سطوح ارتشی، هرچند با تأخیر و ناپایداری و اگرچه با کم و کاستیها و زیاده رویها، بگونه ای انجام شد: عده ای از سوارکی های شناخته شده و افراد وابسته به رژیم طاغوت و ضد انقلابیهای فراری، بر حسب شدت جرم و فساد و زیانکاری شان، یا منفسل و یا بازتست و بازخرید شدند.

اما دشمنان انقلاب و نظام بیرون آمده اند، و پس از انقلاب، جمهوری اسلامی ایران محدود به این گروهها نیست و طیف بسیار گسترده تری دارد. خطرناکتر از این گروههای شناخته شده، عواملی از دشمنانند که ناشناخته مانده اند. اینان چه بسا افراد خوشنامی (!) هستند که امپریالیسم و سازمانهای جاسوسی اش، آنان را برای «روزمباد» ذخیره کرده اند، تا در لحظات حساس، این مبره های دست آموز را در صفحه شطرنج سیاست به پیش برانند و

در مقامات حساس انقلاب رخنه دهند، تاراه بندان انقلاب شوند. فراموش نکنیم که بختیار سالها در صفوف جبهه ملی ذخیره شد و پی استوار کرد، تا در موقعیت مناسب، بعنوان يك درچول مبارزه سلطنت منفور پهلوی را نجات دهد. فراموش نکنیم که ضدانقلابی های «نامداری» نظیر نژی و امیرانتظام و مقدم همراهی از صفوف سازمانهای ایوزیسیون بیرون آمده اند، و پس از انقلاب، بدلیل مسوابق مبارزاتی شان و یا حتی بدون آن، بر راس مقامات حساس قرار گرفتند، همانها که امروز یا در زندان اند و یا در خارج از کشور همکارچم و اویسی و ازهارای و ثابتی اند برای درهم شکستن نظام جمهوری اسلامی ایران.

شیوه عمل امپریالیسم برای رخنه در صفوف مبارزان ضد امپریالیست، و جنبشها و انقلاب شطرنج سیاست به پیش برانند و

رفیق محمد فرهاد، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش را آزاد کنید!

در ماههای پیش، سرکوب کمونیست های بنگلادش بار دیگر فزونی گرفته است. نزدیک به ده ماه پیش، رفیق محمد فرهاد، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش، همراه با پنجاه تن دیگر از اعضاء کمیته مرکزی و کمیته های ایالتی حزب دستگیر شد.

چندی بعد، در بر تو اعتراضات گسترده نیروهای میهنی و دمکراتیک، در بنگلادش و در سراسر جهان، دولت بنگلادش مجبور شد که پنجاه رفیق نامبرده را آزاد سازد، ولی همچنان از آزادی رفیق فرهاد حتی بقید کفالت، خودداری ورزید. چنین می نماید که دولت بنگلادش قصد دارد رفیق محمد فرهاد را برای مدتی طولانی پشت میله های زندان نگاه دارد.

چنانکه کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش به کمیته مرکزی حزب توده ایران اطلاع داده است، وضع مزاجی رفیق محمد فرهاد بسیار وخیم و نگران انگیز است. ما، ضمن اعتراض شدید نسبت به سرکوب نیروهای مترقی و دمکراتیک در بنگلادش و ابراز همبستگی با قربانیان اختناق در آن کشور، خواهان آزادی فوری و بلاشرط رفیق محمد فرهاد، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش هستیم.

بقیه در صفحه ۲

امام خمینی:

ایران
وابسته
به هیچ جا
نیست
و این بهترین
چیزی است که
جمهوری اسلامی
آورده

روز سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۹ آقای محمدعلی رجایی نخست وزیر و تمام اعضاء کابینه به حضور امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، رسیدند.

امام خمینی در بیانات خود در باره مسائل مختلف کشور، از جمله اظهار داشتند:

«... مردم گوش ندهند به حرف اینهایی که می گویند دولت هیچ کاری نکرده و نمی تواند هیچ کاری بکند... مردم باید بفهمند که دولت چه کارهایی برایشان انجام می دهد».

امام خمینی گفتند: «انشاءالله این جنگ هم بزودی تمام بشود و انقلابی که امروز صبح هم حتی گفته شده، و شرفت زیاد بوده است و من امیدوارم که دنبال بشود این وضع و آرام بشود مملکت، گرچه آنها نمی گذارند به این زودی ما آرام بگیریم. ممکن است یک جای دیگر يك فساد بکنند. لکن شما و ما مصمم باشیم. ملت ما باید مصمم باشد به اینکه آن چیزی را که بدست آورده از دست ندهد».

امام خمینی گفتند: «حالا باید ادارات بروی مردم باز باشد و با آغوش باز مردم را بپذیرند. دردهایی که مردم دارند بتوانند بگویند و آنها هم گوش کنند در این که حل بشود مسائلمان. که مردم احساس کنند که يك دولتی است مال خودشان است و برای خودشان دارد خدمت می کند».

امام خمینی گفتند: «آیا در جای دیگر يك همچنین چیزی سراغ دارید تا بیایند و بگویند اینجا با زمان شاه فرقی نکرده، خوب باید آدم اینقدر بی انصاف باشد که بگوید حالا با زمان شاه فرقی نکرده».

امام خمینی گفتند: «حالا ما وابسته به غیر نیستیم. البته يك بقیه در صفحه ۲

خود کفایی
مالی تا تر در
ایران یا کمک
مالی و فنی
دولت به تا تر

صفحه ۶

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

پیام سازمان جوانان توده ایران به اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطین (گویس)

بمناسبت شانزدهمین سالگرد انقلاب فلسطین

دوستان عزیز!

اول ژانویه، سالگرد آغاز مبارزه مسلحانه خلق فلسطین را از طرف همه جوانان انقلابی ایران، و از جمله اعضاء و هواداران «سازمان جوانان توده ایران» به شما و از طریق شما به همه مردم و جوانان و دانشجویان فلسطینی صمیمانه تبریک می گوئیم.

مبارزه عادلانه مردم فلسطین برای بازپس گرفتن اراضی اشغالی، کسب خودمختاری و تشکیل دولت مستقل فلسطینی، از پشتیبانی همه نیروهای صلح دوست و ترقی خواه جهان و از جمله مردم و جوانان انقلابی ایران برخوردار است. تقویت و تسلیح دولت صهیونیستی اسرائیل به عنوان یکی از پایگاه های مهم تجاوز امپریالیستی در منطقه خاورمیانه، یکی دیگر از توطئه های تنگین امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، برای درهم شکستن جنبش رهایی بخش خلق های این منطقه است. از همین رو همبستگی یکپارچه جوانان همه مردم این منطقه در مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم در دستور کار انقلابیون خاورمیانه قرار دارد.

مبارزه دلیرانه مردم و جوانان فلسطینی زیر رهبری «سازمان آزادی بخش فلسطین» تنها نماینده واقعی و قانونی خلق فلسطین علیه صهیونیست های اسرائیلی، الهام بخش همه انقلابیون ایران است. در این راه هزاران نفر از جوانان دلاور فلسطینی شهید شده اند، اما خلق فلسطین از نبرد عادلانه خود دست نکشیده و نخواهد کشید. اقدامات مذبحخانه رژیم تروریستی تل آویو در دوران اخیر، چون ایجاد شهرک های یهودی نشین در فلسطین اشغال شده، اخراج شهرداران فلسطینی از موطن خود، گلوله باران جنوب لبنان و کمک به نیروهای راست گرای مسیحی و سرگرد شورشی سعد حداد در لبنان، همه و همه نمایانگر عجز این رژیم ضد خلقی در مقابل پیکار دلاورانه خلق فلسطین است.

امپریالیست های آمریکایی، رژیم صهیونیستی تل آویو و رژیم

تجاوزگران...

بقیه از صفحه ۱

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز)، به گردان تانک قادیسیه در منطقه سوسنگرد، یورش برده و تلفات عمده ای به گردان مزبور وارد ساختند.

۳- قهرمانان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران تجمع نیروهای دشمن در منطقه جفیر و حمیدیه را مورد حمله قرار داده و بمباران کردند. این ۷۰۰ نفر بر تلفات انسانی که به دشمن وارد آوردند، تعدادی

خودرو و کامیون مزدوران متجاوز را نیز به میزان ۸۰ درصد نابود کردند.

۴- بر اثر اجرای آتش یگان های خودی به نیروهای دشمن در محور دارخوین - مارد، یک قبضه خمپاره انداز، یک دستگاه تانک، یک دستگاه خودرو و ۳ سنگس مزدوران به آتش کشیده شد.

۵- علاوه بر ۲ فرزند میک و یک فرزند هلیکوپتر مهاجم عراقی، که خبر سقوط و انهدام آنها در روز ۱۶ دیماه ۵۹، طی اطلاعیه ۳۶۳ به آگاهی رسیده است، ۲ فرزند میک متجاوز دیگر نیز در منطقه اهواز مورد

از لوث وجود دشمن پاک شود.

همانطور که در پیام آیت الله منتظری، به مناسبت پیروزی مرحله اول تهاجم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران آمده، این هجوم دلاورانه، نشانه بودن روحیه قوی و آمادگی لازم برای پیشروی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است، و بر همین اساس است که امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در تلگرام خود به مناسبت به رئیس جمهوری، امیدواری خود را در مورد دریافت خبر پیروزی نهائی اعلام داشته اند.

امام خمینی، بدینسان، خواست همه توده های میلیونی ایران را بیان کرده اند.

باید گفت که اکنون شرایط برای نیل به این پیروزی فراهم است. نیروهای خط اول جبهه، از پاسداران گرفته تا نیروهای سه گانه ارتش و نیروهای مردمی، یکپارچه و متحد، با شور و خروش انقلابی، با قهرمانی کم نظیر، آماده اند تا به پهای خون خود، دشمن را از خاک میهن برانند و دست امپریالیسم آمریکا را از میهن ما کوتاه کنند. در پشت جبهه نیز میلیون ها ایرانی، میهن دوست، در شهر و روستا، در مزرعه و کارخانه، در مدرسه و اداره، با شور و شوق انقلابی و فداکاری کم نظیر آماده هرگونه کمک به صفوف جبهه و نبرد پیکر با دشمنان انقلاب برای نیل به پیروزی نهائی هستند. با استفاده از این نیروی عظیم باید هر چه زودتر ضربه آخر را به نیروهای تجاوزکار وارد کرد و آنها را از خاک ایران بیرون راند.

بدون تردید بیرون راندن تجاوزگران صدامی از خاک ایران، پایان نبرد سرنوشته ساز بسا امپریالیسم آمریکا نیست، اما ضربه ای است قاطع، که می تواند به امپریالیسم آمریکا شکست تازه ای را تحمیل کند. در این پیروزی نیروی هست، که خلق را بیشتر از پیش برای ادامه نبرد، تأییدی قطعی و نهائی بر امپریالیسم آمریکا، بسیج خواهد کرد.

رزمندگان انقلاب...

بقیه از صفحه ۱

بدنبال حمله تجاوزگران صدامی به خاک ایران، هر چند در ابتدا نیروهای ایران عقب نشستند و بخشی از خاک میهن به تصرف دشمن درآمد، اما طولی نکشید که خلق رزمنده ایران، به پهای خون گروهی از بهترین فرزندان خود، راه پیشرفت را بردشمن بست و به خیال دارو دسته سدام، که تصرف برق آسای خوزستان بود، مهر باطل زد. از این پس نوبت حمله برای بیرون راندن دشمن از خاک میهن بود. در یک ماه گذشته، با اینکه چندبار وعده حمله به دشمن داده شد، ولی متأسفانه این امر انجام نشد. به تعویق افتادن حمله به دشمن، که به درازا کشیدن جنگ را بدنبال داشت، و در نتیجه امکانات بیشتری را در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار میداد، ناپذیرانه و فاش کننده گوناگون بر ایران وارد کند، سبب فکرائی جدی نیروهای انقلابی میهن شده بود. این فکرائی در تلگرام آیت الله منتظری به رئیس جمهوری ایران شد و بدنبال آن مردم قهرمان ایران در راه پیمائی ها و قطعنامه ها، خواستار آغاز تهاجم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به دشمن متجاوز شدند.

خوشبختانه این امر حیاتی عملی شد و رزمندگان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، روز ۱۵ دی ۵۹، تهاجم گسترده خود را به دشمن آغاز کردند و موافق اعلامیه های ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و پیام رئیس جمهوری به امام خمینی و سخنان حجت الاسلام خامنه ای، امام جمعه تبران و نماینده امام در شورای عالی دفاع، ضربات جدی بردشمن وارد آوردند.

حزب توده ایران، مانند همه مردم انقلابی ایران، ضمن ابراز خوشحالی از این پیروزی نیروهای رزمنده انقلاب، امیدوار است که این حالات ادامه یابد و هر چه زودتر خاک میهن انقلابی ما

آمریکاهمیشه...

بقیه از صفحه ۱

علیه انقلاب ما برده و هست و خواهد بود و با آزاد شدن گروگانها این سیاست تغییر نخواهد کرد.

مخالفان کنترل دولت بر اقتصاد

بهباد نبوی، که در حضور گروه کثیری از نمایندگان مطبوعات داخلی و خارجی سخن می گفت، درباره سرمایه داری که مخالف کنترل دولت بر اقتصاد کشور هستند، اظهار داشت: «طبیعی است که هر چه دولت بخواهد در زمینه مسائل اقتصادی نقش فعالتری را بپذیرد، عناصر سودجو و عناصری که منافع خودشان را در عدم کنترل دولت بر اقتصاد مملکت می بینند، ناراحت می شوند، چون جلوی سودجویی آنها گرفته خواهد شد.»

وی ادامه داد: «ما با این دسته عناصر برخورد جدی خواهیم کرد. حتی در بعضی زمینه ها، اگر دقت کنید، یک صنفی خودمسرانه قیمت مواد تولیدی خود را بالا برد. سدد بسیج اقتصادی ضمن اخطار به این صنف، اعلام کرد که قیمت ها را تا به حال اولیه خودش برنگرداند، مواد اولیه در اختیارش نخواهد گذاشت.»

بهباد نبوی در ادامه سخنان خود گفت: «طبیعی است که سیاست دولت برای عنصر سودجو و متحرک و منفعت طلبی که یک عمری از این طریق ارتزاق کرده اند، خوش آیند نیست. اینها از طریق انواع و اقسام تقلبات می کوشند که با سیاست های دولت در زمینه سرمایه بندی، کنترل قیمت ها و ارزاق و... مقابله کنند و این سیاست را با شکست مواجه کنند.»

وی همچنین خاطر نشان ساخت: «متأسفانه عناصری نیز ناآگاهانه یا اینها هم صدا می شنوند. ضد انقلاب هم که خودش بخشی (از این سرمایه داران است) در گمین است.»

بهباد نبوی آنگاه به قانون ملی شدن بازرگانی خارجی اشاره کرد و گفت: «اشکال کار در سیستم

هایی الان هست که ما وابستگی داریم. ما آزادی نداریم و این حرفها، این جور نیست. اینها کار شکنی است که بعضی از اشخاص که اشتباه می کنند، اگر مردم صحیحی باشند آنها برای اینست که شما حرف بایتان را نزده اید و مسائلی را که داشته اید، و نکته ای که یا اینست که یک اشخاص مغرض هستند که آن اشخاص مغرض را نمی شود با هیچ جور درستش کرد.»

امام خمینی گفتند: «دیگر اینکه این از گناهانی که در همه اطراف مملکت است نرسیده ایم که اصلاحشان بکنیم. اشکالاتی در آنهاجا هست. هیچ اشکالی ندارد که در دادگاهها، در کمیته ها، در اینطور موارد، در بین این پاسدارها مثلاً خیلی مردم خوبی هستند، امام مکن است یک اشخاصی بین آنها وارد شده باشند به اسم پاسدار و فساد بکنند و یا در دادگاهها وارد شده باشد یک کسی فاسد

دارد. ۷- بر پایه گزارشهای رسیده، اخیراً بین پرسنل پلیس عراق، بعثت جنگ ایران و عراق، نارضایتی بوجود آمده و افراد پلیس عراق مرتباً فرار می کنند.»

عقب نشینی تجاوزگران صدامی از منطقه گیلانغرب

در اطلاعیه شماره ۳۶۵ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله آمده است: «در عملیات تهاجمی هماهنگ شده دیروز (۱۶ دی) ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیرو های مردمی در منطقه گیلانغرب، تعداد ۷۰ نفر از مزدوران به هلاکت رسیدند و بیش از ۱۲۰ نفر از آنان زخمی شدند. یک انبار بزرگ مهمات دشمن منفجر و ۳ دستگاه تانک آنان یکلی نابود شد و سپاه متلاشی متجاوزان شکست خورده و مایووش چندین کیلومتر بعقب رانده شد.»

امام خمینی...

بقیه از صفحه ۱

احتیاجاتی دنیا به هم دارد. این وابستگی نیست. مثلاً ما احتیاج داریم که گندم بخریم. پول می دهیم و گندم می خریم... مبادلات تجارتي است، وابستگی نیست. وابستگی این بود که ما در زمان شاه داشتیم که همه چیزمان را باید آنها بیایند اداره کنند. مستشار بیاید و لشکر ما را اینطور بکنند که کردند و آنطور خرابکاری، این مبادلات و باب خرید و فروش متقابل که یک اشخاصی با هم خرید و فروش می کنند، این اسمش وابستگی نیست. الان ایران وابسته به هیچ جا نیست و این بهترین چیزی است که جمهوری اسلامی آورده و آزادی هم هست. بنا بر این اینکه نق و نق می زنند نه اینکه عقیده شان اینست که خیر، این دولت چیزی نیست یا فرض کنید که یک گرفتاری-

اجرائی این مصوبه است. این قانون مورد علاقه و توجه دولت است و در این زمینه هم اقدام خواهیم کرد. برای اینکه بتوانیم کلیه کالاهای مورد نیاز مردم را در اسرع وقت تأمین کنیم، نیاز به سازماندهی است؛ و با سازمان موجود در وزارت بازرگانی، ما توان یک چنین کاری را نداریم. باید آمادگی پیدا کنیم و بعد قانون را به مورد اجرا بگذاریم.»

وی همچنین گفت: «ما فعلاً در زمینه آن کالا هایی که نیازهای اولیه بدان داریم، سعی کردیم واردات و توزیع این کالاها را تا حد امکان در کنترل دولت بگیریم.»

آمریکا مشغول توطئه علیه انقلاب ایران است

بهباد نبوی در بخش دیگری از مصاحبه مطبوعاتی، ضمن ارائه نظریات دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد «گروگانها»، به ورود هیئت الجزایری به ایران اشاره کرد و گفت:

«هیئت الجزایری روز جمعه به تهران آمد. این هیئت حامل پیشنهادات جدیدی است که به عنوان یک اعلامیه از طرف این دولت ارائه شده است. در این پیشنهادات، دولت الجزایر حاضر شده است که تعهدات طرفین، یعنی دولت جمهوری اسلامی ایران و آمریکا را بپذیرد، یعنی دولت ایران و آمریکا میتوانند تعهدات خود را در این زمینه در اختیار دولت الجزایر بگذارند. این مسئله علی الاصول مسورد قبول قرار گرفته است.»

وی آنگاه گفت: «ما می دانیم که سیاست آمریکا در رابطه با ملل مستضعف، از جمله ایران، هیچ تغییری بسا رفتن و ماندن این گروگانها نخواهد کرد. آمریکا همیشه مشغول توطئه بر علیه ملت های مستضعف و ملت ما و انقلاب ما بوده، هست و خواهد بود.»

وی خاطر نشان ساخت: «گروگانها وقتی آزاد می شوند که شرایط مجلس از طرف آمریکا پذیرفته شود... چنانکه احساس شود و مشخص شود که دولت آمریکا قصد سر دو اندن و وقت گذراندن دارد، دولت به وظایف قانونی خود عمل خواهد کرد.»

بهباد نبوی همچنین در مورد خرید اسلحه از کشورهای دیگر گفت: «منابع تهیه اسلحه و مهمات جنگی باید مشخص شود. چنانچه همراه با وابستگی باشد، از آن منابع تأمین اسلحه مجوز نخواهد بود.»

بکنند. در صدر اسلام بعضی اشخاص وارد می شدند اشتباهی در چیز اسلام و فساد کاری می کردند. اینها را باید البته رسیدگی بشود و باید همه آموری و نقایصی که هست و زیاد هم البته هست، این نقایص بسا بررسی ها، با رسیدن به این طور موارد، باید بررسی بشود و درست بشود که این نقایص هم که اشکال دارند به آن مثلاً به دادگاهها یا زندانها یا جاهای دیگر این رسیدگی می خواهد که درست بشود.»

امام خمینی گفتند: «اگر اشخاص غیر صحیحی هستند اصلاحشان بکنید و اگر دیدید قابل اصلاح نیست، کنارشان بگذارید و اشخاص صحیح پیدا بکنید.»

امام خمینی گفتند: «اگر اشخاص غیر صحیحی هستند اصلاحشان بکنید و اگر دیدید قابل اصلاح نیست، کنارشان بگذارید و اشخاص صحیح پیدا بکنید.»

امام خمینی گفتند: «اگر اشخاص غیر صحیحی هستند اصلاحشان بکنید و اگر دیدید قابل اصلاح نیست، کنارشان بگذارید و اشخاص صحیح پیدا بکنید.»

امام خمینی گفتند: «اگر اشخاص غیر صحیحی هستند اصلاحشان بکنید و اگر دیدید قابل اصلاح نیست، کنارشان بگذارید و اشخاص صحیح پیدا بکنید.»

امام خمینی گفتند: «اگر اشخاص غیر صحیحی هستند اصلاحشان بکنید و اگر دیدید قابل اصلاح نیست، کنارشان بگذارید و اشخاص صحیح پیدا بکنید.»

روز ۱۱ دی ماه سال ۱۳۵۹ جلسه معمولی «پرسش و پاسخ» با حضور رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزار شد. رفیق کیانوری به پرسشهایی که شرکت کنندگان در جلسه پیرامون مسائل گوناگون مرحله کنونی انقلاب مطرح کردند، پاسخ گفت.

پخش اول این «پرسش و پاسخ» در شماره گذشته به چاپ رسید و پخش دوم آن در این شماره درج می شود.

س: رابطه بین تحمیل مبارزه ضد امپریالیستی و گسترش دموکراسی چگونه است؟ در شرایط کنونی که سمت گیری ضد امپریالیستی و خصلتی حاکمیت رادیکال تر شده است و با توجه به این که لایحه تعیین حدود و تنوع آزادی های دموکراتیک، احزاب و مطبوعات در شرف مطرح شدن در مجلس است، آیا می توان امیدوار بود که تصمیم گیری واقع بینانه ای در مورد احزاب و سازمان های انقلابی گرفته شود؟

ج: از قسمت آخر سؤال شروع کنم. دوستی که این سؤال را طرح کرده، باز به خلاف قراری که ما با سؤال کنندگان و شنوندگان گذاشته بودیم، که از ما هیچ وقت نخواهند که وارد فرضیات بشویم، می پرسد که آیا می توان امیدوار بود که تصمیم واقع بینانه ای درباره احزاب و سازمان های انقلابی گرفته شود؟ در باره این گونه سؤالات متذکر می شویم که کسار حزب سیاسی کارشخصی است، یعنی نسبت به آنچه که هست با واقع بینی و با دید درست قضاوت می کند و نسبت به آنچه که در حال تغییر است تلاش می کند که آن را در جهت درست تغییر بدهد. این کار یک حزب مبارز نیست که مرتب حدس بزند و فرض بکند. مثلی هست درباره این طور "اگر" ها. می گویند که در سالهای آخر جنگ در آلمان نازی ها یخچالی کردند که اگر دریای مانش نبود ما در جنگ بریزور شده بودیم. چون رفته بودیم و انگلستان را گرفته بودیم و دیگر آن ها نتوانستند جبهه دوم را تشکیل بدهند، دیگر بیخود نیرویی این طرف آن طرف کشیدیم و تمام نیرو را می بردیم در جبهه شرق. جبهه شرق را قطع و قطع کرده بودیم و... "خوب، با "اگر" دریای مانش نبود، ببینید که سرنوشت دنیا به کلی می توانست عوض شود! ولی دریای مانش آن جا بود، هیچ کاری نمی شد کرد، عوض نمی شد کرد. ما هم کوشش بکنیم که هیچ وقت نه با "اگر" های این طوری کار کنیم و نه با فرضیات.

تلاش ما این است که با عمل سیاسی خود نطفه های مثبتی که در جریان اداره انقلاب وجود دارد تقویت شود، این تلاش ماست. سعی کنیم با کار تبلیغاتی خود، با کار توضیحی خود، با کار روشنگری خود نشان بدهیم که بین تحمیل مبارزه ضد امپریالیستی و گسترش دموکراسی خلطی نیست. یعنی نه "دموکراسی" لیبرالی و "دموکراسی" "آب پندکان" و "بامداد" که، ما طرفدارش نیستیم. ارتباط واقعی موجود است، ما این دموکراسی را به معنای شرکت فعال و همه جانبه نیروهای که آماده مبارزه ضد امپریالیستی هستند، بدون هیچ گونه انحصار طلبی و بدون هیچ گونه محدودیت برای این نیروها می فهمیم. بنابراین روشن است که تضعیف این گونه دموکراسی به تضعیف جبهه ضد امپریالیستی می انجامد و بالعکس وظیفه ماست که این برداشته را از دموکراسی واقعی و پیوند آن با جبهه ضد امپریالیستی به دور آوریم. توده ها ببریم، مثلا در آبادان، خومین شهر، اهواز و بعضی دیگر از نقاط جنوب توده های ما با عمل خود این واقعیت را به کسانی قبولانند که پیش از این به هیچ وجه آماده پذیرش چنین پدیده های نبودند که با توده های ما در هیچ امری شرکت کنند. برای بعضی از پاسداران در این شهرها موقعی اصلا غیر ممکن بود که بتوانند با توده های ما همکاری کنند، ولی خوب ما با عملکرد انقلابی و کار تبلیغاتی خود، زمینه فکری برخی را تسهیل کردیم. یعنی آن کار مثبتی است که ما در جبهه وسیع خلق، باید انجام بدهیم و هر قدر نیروها واقعی و امکان گمان توسعه پیدا کنند، تاثیر این عمل ما نیز زیادتر خواهد شد، باید با عمل خود به نیت برسانیم که تحکیم دموکراسی مبارزه ضد امپریالیستی را تقویت می کند، این را ما باید در داخل توده های وسیع مردم و مسئولین و مبارزان در تمام سطوح از پایین تا بالا گرفته با کار خود، با عمل سیاسی خود به پیش بریم.

من خیال می کنم که ما در این دوسالگی که از انقلاب می گذرد، با وجود تمام پیش داری های فوق العاده منفی که نسبت به کار حزب ما وجود داشته است و با وجود رویدادهای جهانی که در جهت منفی روی عمل حزب ما تاثیر گذاشتند، مذبذک در مجموع موفقیت های زیادی در قانع کردن قشرهای قابل توجهی از نیروهای مارکسیست که در موضع گیری سئو-جویانه علیه حزب ما قرار داشته اند، به دست آورده ایم. در این حاکماتی است که به تغییرات محسوس در موضع گیری های چریک های فدائی خلق و بخشی از نیروهای اسلامی اشاره کنیم. البته نباید این توهمن را به دست بدهیم بدون هیچ سبب و سبب سبب است. کمالاتی بنود کمالات به این سرعت در این راه پیروفت کرد. این چنین اعتقادی را ما نداریم، سمت گیری اساسی ما عبارت است از آماده کردن فکری قشرهایی که بالقوه در جبهه متحد خلق قرار دارند. برای درک لزوم همکاری در تشکیل جبهه متحد خلق از طریق عمل سیاسی خود، این سنگت گیری ماست و هیچ تنزل زلی در آن نخواهیم داشت، حال امکان است که پیشرفت های تدریجی و کمی مایه تغییری کیفی در این زمینه تبدیل شود و ممکن به همت که باز هم توفان هایی ما را از سر قدم عقب بیاورد، امید ما این است که این حالت دوم پیش نیاید.

س: به این ترتیب این که در مجلس چه خواهد گذشت و چه خواهد شد، این را ما پیش بینی نمی کنیم، کوشش ما این است که تصمیماتی که مجلس درباره لایحه احزاب و مطبوعات می گیرد، محدود کننده آزادی واقعی نیروهای ضد امپریالیستی اصیل و راستین نباشد، این تلاش را ما خواهیم کرد.

س: بنی صدر تا چه حد می تواند در مواضع خود باقی بماند و سرنوشت انقلاب با وجود بنی صدر به کجا می کشد؟

ج: آن چه که ما می توانیم در این زمینه قضاوت بکنیم تا حدودی در مقاله درباره "الفا" ایدئولوژی بیان شده است. ما در آن مقاله نشان دادیم که با کمال تأسف جبهه ای که الان زیر پرچم آزادی های لیبرالی تشکیل شده است، با وجود عدم تحاسن خود، مرکب از عناصر ناسالمی است که نه تنها به هیچ وجه به نفع انقلاب عمل نمی کنند، بلکه عمل آن ها در جهت تضعیف نیروهای انقلابی است. آن هم در لحظه ای که هجوم امپریالیسم، ارتجاع و ضد انقلاب روز به روز شدت پیدا می کند و خطرات جدی برای انقلاب ایران بوجود می آورد.

به این ترتیب عملکرد و موضع گیری های آقای بنی صدر هم باید در همین چارچوب مورد بررسی و قضاوت قرار گیرد، ما وارد جزئیات انتقادات و برخوردها در این باره نمی توانیم بشویم، برای این که از همه این جزئیات اطلاع نداریم، از سوی دیگر نمی توانیم بگوییم که همه انتقادات آقای بنی صدر ساختگی، نادرست و اشتباه است، خیلی چیزها است که ما هم با آن ها نمی توانیم موافق باشیم. مثلا درست است که زیاد دوری های خیلی جدی از طرف نهادهای انقلابی نسبت به حقوق و آزادی های مردم شده است، در این نهادها سوء استفاده ها و سوء اداره هایی هم دیده شده است، همه این ها هست و نمی شود آن را انکار کرد، خود حزب ما از این برخوردهای انحصار طلبانه ضربه های سختی خورده است، ولی سؤال مهم این است که آیا مسئله اساسی انقلاب ایران در لحظه کنونی این است؟ یا مسئله است که ما با آقای بنی صدر و دوستانش اختلاف نظر جدی داریم، مثلا در شرایطی که آقای یگانه و دارودستاش با ما به تجاوز نظامی، اشغال جزایر ایران در جنوب و مین گذاری سادارمان تهدید می کنند و در شرایطی که ما درگیر یک جنگ دفاعی

تورالدین کیانوری
«پرسش و پاسخ»

تحکیم مبارزه ضد امپریالیستی و تقویت دموکراسی مردمی مکمل یکدیگرند

● **باید با عمل خود به ثبوت برسانیم که تحکیم دموکراسی، مبارزه ضد امپریالیستی را تقویت می کند**

● **دیگر قابل تحمل نیست که در شرایط حساس کنونی در برابر تصمیم گیری های مهم، مقاومت و کارشکنی بشود**

● **حزب توده ایران با «ترجیه های پوک» بحث ایدئولوژیک ندارد**

هستیم و قسمتی از خاک ایران از طرف تجاوزکاران اشغال شده است و ما باید تمام نیروی خود را در جهت دفع تجاوز تجهیز بکنیم، روزنامه "انقلاب اسلامی" در مقاله ای که دوبار هم به چاپ می رسد، پیشنهاد میکند که ما باید برویم و جمهوری های مسلمان نشین اتحاد شوروی را "آزاد" و دولت افغانستان را سرنگون کنیم. خوب، ما به این نتیجه می رسیم که پیچی این جا شل است. حالا این بیچ شل کجاست، این رادیو خود آن آقایان باید تشخیص بدهند. این جا است که نمی دانیم آیا واقعا باید سراغ پزشک رفت، و به او مراجعه کرد که اینجا بیمار روحی وجود دارد، یا این که باید تحقیق کرد که چه کسی و چرا نغمه ناست سرمی دهد؟

ما این ترتیب تصور می کنیم که اگر یک هسته کوچک و سالم غم در طرز تفکر کسانی که در جهت منافع عمومی خلق ما در مبارزه علیه امپریالیسم، در مبارزه علیه خطراتی که الان ما را تهدید می کند وجود داشته باشد، چنین افکاری نمی تواند از مغز آن ها تراوش کند. بنابراین ما این نظریات روزنامه "انقلاب اسلامی" را که بیانگر تفکرات آقای بنی صدر است (چون آقای بنی صدر تاکنون این گونه مطالب را به عنوان انحرافی از عقاید خود رد نکرده است) قابل تأمل می دانیم و سؤال می کنیم که این مطالب تاجه حد واقعا به نفع انقلاب ایران است و ادامه این موضع گیریها چه صدمه های خطرناکی ممکن است به انقلاب ایران وارد کند؟

ما خیال می کنیم که این بحسی نیست که فقط ما باید در آن شرکت بکنیم. بحسی که الان درباره عمل و موضع گیری های جناحی که آقای بنی صدر در رأس آن قرار گرفته، در گرفته است بحث روز تمام مخالف سیاسی میهنی ما است. ما همان طور که تا به حال چندین بار در همه موارد بیان کرده ایم و در نشریات حزب ما نیز هست، در این زمینه کاملا روشن است. ما عقیده داریم که جبهه وسیعی از امپریالیسم، ارتجاع جهانی و ضد انقلاب داخلی برای درهم شکستن انقلاب کشور ما و درهم شکستن جمهوری اسلامی ایران در چارچوب کنونی آن مشغول فعالیت است و از آن جا که اثر شکست هایی که انقلاب ایران بر امپریالیسم وارد آورده روز به روز نمایان تر می شود، این جبهه هم هر روز چون آمیزتر به حملات و دسیسه های خود ادامه می دهد و وضع خطرناکی را برای انقلاب ایران بوجود آورده است. نیروهای داخلی ما، آن نیروهایی که به این جبهه کمک می کنند، چه آگاهانه، چه ناآگاهانه، در جهت مخالف سمت گیری سیاسی حزب ما قرار دارند، یعنی ما با آن ها مبارزه سیاسی خیلی جدی را پیش می گیریم که در جهت افشا کردن آنها و نشان دادن موضع گیری های نادرست و زیان بخش شان به انقلاب است. برای بعضی از این ها ما ماهیت دیگری جز مقابل با انقلاب قائل نیستیم. مثل لیبرال ها، سرمایه داران، غارتگران و آن هایی که انقلاب منافع آن ها را محدود کرده و با تهدید به محدود شدن می کنند. خوب این عادی است که این ها در چنین وضع و جریانی در جهت کمک رساندن به ضد انقلاب عمل می کنند، اینان مثل همان هایی هستند که علی رغم تمام هشدارها در شب هایی که حملات هواپیما می شود، چراغ ها پشان را روشن می گذارند و با لجه بازی می خواهند نشان بدهند که به ضد انقلاب، و به دشمن حاضرند کمک کنند، اینان با هر پدیده ای که ببینند در جهت مخالف سمت گیری آن ها، یعنی آماده کردن راه سازش و تسلیم به آمریکا است، با خشم و عصبانیت و تشنج عصبی روبرو می شوند.

اگر شما نوشته های "انقلاب اسلامی" و "میزان" را در دو، سه روز اخیر در مورد تظاهرات روز اربعین و صحبتی که در آن جا شده بخوانید، می بینید که این تشنج عصبی تا چه حد شدت دارد، برای چه؟ برای این که در آن تظاهرات آن چیزی که امروز برای میهن ما مطرح هست، یعنی تجاوز آمریکا، تجاوز غیر مستقیم آن به دست صدام و تهدید تجاوز مستقیم و تهدید توطئه های ضد انقلاب، که آن هم مال آمریکا است، در آن جا مطرح بوده است و این ها عصبانی هستند، که چرا مردم ایران علیه آن نیروی جهانی که آنها علاقه مند هستند که با آن کنار بیایند و بالاخره زبان مشترکی با آن پیدا کنند، کاملا صریح و بدون هیچ گونه کج و معوجی موضع گیری کرده اند.

تا چه حد این جریان باید طول بکشد؟ به نظر ما این جریان هم اکنون بیش از اندازه طول کشیده است. مثلا الان با وجودی که بین از سه ماه از جنگ می گذرد و ما در جهان با حمله تبلیغاتی فوق العاده متهدار

امپریالیسم خبری تبلیغاتی روبرو هستیم، هنوز وزیر خارجه نداریم، هنوز در اکثر کشورهای خارجی ما سفیر نداریم. یا این که وزارت دارایی و اقتصاد که مهم ترین مسئولیت را در شرایط کنونی برای مقابله با جنگ اقتصادی امپریالیسم دارد اصلا وزیر ندارد. در نتیجه اصلاحات اقتصادی نداریم. تصمیمات فقط روزمره است.

خوب، این دیگر قابل تحمل نیست. یعنی جامعه ما، دولت ما، نظام جمهوری اسلامی خیلی از خود خوبتر نشان داده اند که تا این حد این نابسامانی را در دستگاه رهبری تحمل کرده اند. ما امیدوار هستیم هر چه زودتر به این وضع خاتمه داده شود. البته بهترین راه حل این است که آقای بنی صدر خودشان بی برسد به این که مقاومت نه تنها به تشکیل دولت کمکی نمی رساند بلکه به مجموعه انقلاب ایران و مقاومت مردم صدمه می زند. باید همان طور که ما مخمینی توصیه کرده ام که متوجه تاراج منطقی برپایه تفاهم پیدا بشود. رفع فوری اختلافات، جبهه متحد مقاومت را در برابر امپریالیسم وسیع تر خواهد کرد. ولی اگر واقعا نیروی هایی، کسانی، شخصیت هایی، عناصری بخواهند با عناد، لجاج، باتوسل به امکانات مختلفی که در اختیارشان هست، در برابر تحکیم این جبهه روشی ضد امپریالیستی، که الان ضرورتش را از هر لحظه دیگر بیشتر احساس می کنیم، مقاومت بکنند، ایستادگی بکنند، آن وقت واقعا بنیاد های اصلی جمهوری اسلامی است که راه حل منطقی و قانونی برای حل این مسائل پیدا بکنند. وگرنه با ادامه این وضع به هیچ وجه نمی توان موفق بود.

س: آیا این درست است که حزب توده ایران گروه ها و گروهک های مختلف را که مخالف انقلاب هستند "ترجیه پوک" یا "جاده صافکن امپریالیسم" می نامد؟ آیا در تئوری و عمل نباید میان گروه هایی چون "بیکار"، "راه کارگر"، "چریک های اقلیت"، "رزمندگان"، "چریک های اشرفی"، "سه جهانی ها"، "رنجبری ها"، "عدالتی ها"، مائوئیست های تازه مسلمان شده مثل غضنفرپور و... فبق گذاشت؟ آیا حزب نمی تواند با این ها به بحث ایدئولوژیک بنشیند؟

ج: ببینید، کار حزب ما این نیست که برود و نیروی خود را صرف آن بکند برای این که ببیند بین گروهک هایی که در بالا از آن ها اسم برده شد چه اختلافاتی کوچک وجود دارد و واقعیت هم این است که خود این ها ما واقعا نمی دانند چه اختلافاتی بین آن ها هست؟ چون آن ها در عمده ترین مسائل سیاسی و اجتماعی تقریبا خط مشابهی دارند. در ارزیابی انقلاب ایران، در نیروهای که در انقلاب شرکت دارند، در باره دوستان و دشمنان انقلاب ایران در داخل و در صحنه جهانی، اختلاف نظرهای این ها فوق العاده ناچیز است. به نظر ما اصولا مسئله اختلاف نظرهای این ها به صورت مسئله عمده و اساسی مطرح نیست. مسئله عمده و اساسی این است که این ها در جبهه جنگ در کدام طرف قرار دارند؟ این طرف جبهه هستند یا آن طرف جبهه؟ اگر این طرف جبهه هستند، می شود با آن ها صحبت کرد و به خود گفت این ها با این که در مسائل عمده و اساسی ما با در یک طرف جبهه هستند، می شود در باره اختلافات فرعی با آن ها به صحبت و بحث نشست.

این که ما معتقد هستیم همه این گروه ها در ستیزی که علیه جمهوری اسلامی موجود انجام می دهند، عمل شان به سود امپریالیسم تمام می شود، در این تحلیل ما هیچ گونه نادرستی نمی بینیم. در این که رهبری کدام یک از این گروه ها، عامل امپریالیسم است و کدام این ها ناآگاهانه هستند که به نفع دشمن دارند عمل می کنند، ما در این باره نمی توانیم قضاوت کنیم. پس قضاوت ما روی ماهیت این ها است. برای ماهیتی تواند معیار این باشد که آیا این ها وابسته به امپریالیسم هستند یا گمراه هستند. چون ما اصلا نمی دانیم رهبران این ها چه کسانی هستند. غضنفرپور را می شناسیم، سلطانیان را از ۲۵ سال پیش به این طرف می شناسیم، و لسی دیگران را که نمی شناسیم. بنابراین برخورد ما نسبت به این ها برخورد شخصی نیست، برخورد با عمل آنها است و مهم هم درسیاست عمل است، چون ممکن است کسانی در آن ها باشند که معصوم هستند، ولی عمل سیاسی شان درست به نفع دشمن است.

افراد که الان در جبهه ضد انقلاب عمل می کنند، همه شان که ساواکی جنایتکار نیستند. آدم های ساده ای هم هستند که در آن جا، بازجه آن ها می شوند، افرادی هستند که شاید شما آدم های عادی باشید، ولی از لحاظ سیاسی این قدر درکشان کم است که حتی گاهی اوقات مخالف منافع خود عمل می کنند. این چیزی نیست که ما درباره آن قضاوت بکنیم. قضاوت ما همه در باره عمل کلی یک جریان، یک گروه سیاسی است. این عمل کلی اگر در آن جهت مشخصی است که ما بیان کردیم، ما اصطلاح "ترجیه پوک"، "لیبرال" و یا "جاده صاف کن امپریالیسم" را رویش می گذاریم.

تازه این اصطلاح "جاده صاف کن امپریالیسم" اصلا اصطلاحی نیست که ما وارد کرده باشیم. این اصطلاح را یکی از روزنامه های هوادار خط امام خمینی اولین بار به صورت یک کاریکاتور معمول کرد و خوب هم جا افتاد.

خوب این جا سؤال می نمود که آیا حزب نمی تواند یک سری بحث های ایدئولوژیک را با این گروه ها آغاز کند؟ آخر در ایران نزدیک به سی گروه مائوئیستی تشکیل شده که ما به آنها اسم عام "ترجیه های پوک" را گذاشته ایم، چطور ممکن است که ما با یک یک این ها به بحث ایدئولوژیک بنشینیم؟

از طرف دیگر، بحث ایدئولوژیک تمام حزب ما، تمام نشریات حزب ما، تمام مقالات ما، کتاب هایی که بیرون می دهیم عبارت است از بحث ایدئولوژیک. از موضع جهان بینی که ما به آن معتقد هستیم و درباره تمام مسائل، وقتی این همه نشریاتی که ما پخش می کنیم و به تمام مسائلی که برای آن ها مطرح است از موضع خود جواب روشن می دهیم در این ها تاثیر نمی کند، آخر چه فایده دارد که ما بنشینیم و با "راه کارگر" یا "رزمندگان" و غیره بحث دوطرفه بکنیم. این چیزی جز اتلاف وقت نیست.

البته با گروه هایی که از نظر کمیت و کیفیت اهمیت دارند، ما این بحث را انجام داده ایم و می دهیم. از طرف دیگر تصور نکنید که این گروهک های مائوئیستی، این "ترجیه های پوک" تنها مختص ایران هستند. نه، مثلا در پرتغال هم در حدود شانزده سازمان چپگرا و جنبه ما هست، که سهم آرای همه آن ها در انتخابات اخیر ریاست جمهوری بیش از ۱/۵ درصد نبود. ولی یکی از شرکده های ارتجاع و امپریالیسم همین است: ایجاد یک کراپش گریز از مرکز، بهیچ کردن گروهک های متعدد. اگر این ها یکی می شدند، خوب حرف می زدند و با آن ها می شد حرف زد. ولی وقتی سی گروه شدند، شما

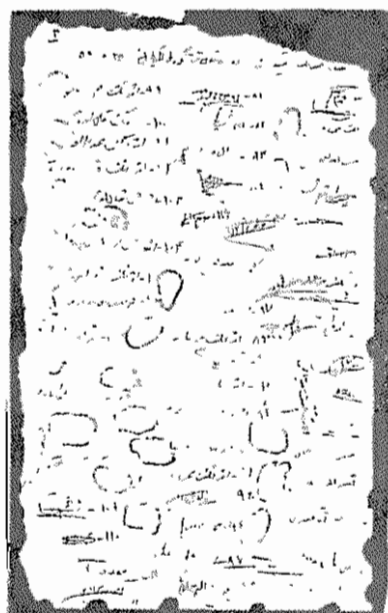
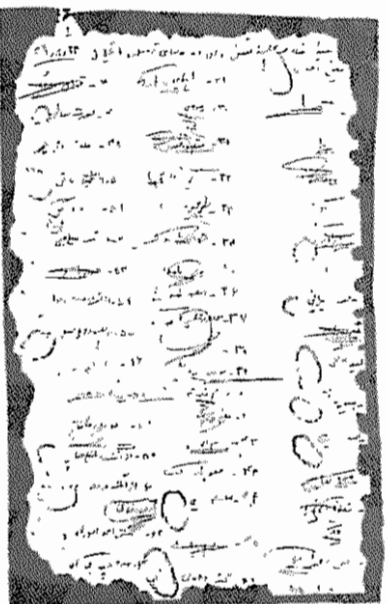
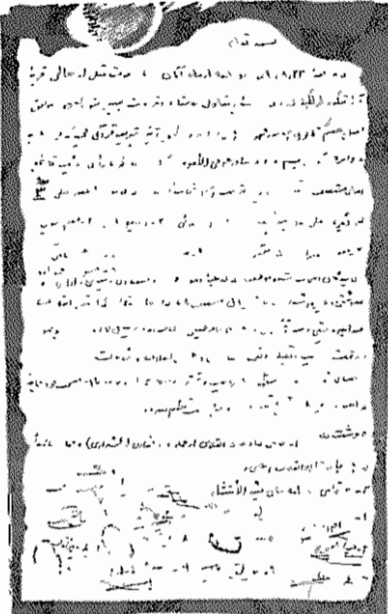
پانزده شان را هم که مجاب کردید پانزده تای دیگر باقی می ماند. تازه در گروه دوم هم که یک انشعاب بشود، دوباره می شوند سی تا. بنابراین، دوستان این شیوه ای که ما اتخاذ کردیم، موثرترین شیوه است. یعنی پرداختن به عمده ترین مسائل سیاسی - اجتماعی که در مقابل جنبش ما قرار گرفته و حوصله داشتن به این که نیروهای سالم به تدریج با تجربه شخصی، به درستی این ارزیابی هایی که ما می کنیم، پی ببرند. این شیوه ای است که مارکسیست ها همیشه همه جا به کار برده اند و نتایج آن هم درخشان بوده است.

روستائیان
تهیدست
اطراف
کنبد کاووس

با اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی

آرزو دارند به استقلال
و خود کفائی کمک کنند

وظیفه انقلابی شوراهای ده



با کوس در این جهت است که
سرواد دهقانان میتوانند برخاسته
عده معدودی، واجبه دو نفری
ته نمیخواهند بگذارند جلسه تشکیل
شود، غلبه کنند و کار بسیار مهم و انقلابی
خود را در پیبرد خط امام و تحکیم
جمهوری اسلامی ایران انجام برسانند.

شورای روستای تهر تنگده طولگیلان،
در تاریخ ۵۹/۸/۲۳، بنابه دعوت قبلی
و با حضور اهالی تشکیل شد. روستائیان
روستای تهر تنگده طولگیلان، علیرغم
کارشکنی هایی که میشد، توانستند در
این روز نمایندگان خود را انتخاب کنند
در سنده موبد تشکیل این سورا، که امضاء
و اثر انگشت ۱۱۸ نفر از اهالی روستا را در
زیر خود دارد، آمده است:

در مورخه ۵۹/۸/۲۳، روز جمعه
از ماه آبان، با دعوت قبلی از اهالی
قریه تهر تنگده طولگیلان در فروشگاه
تعاونی روستا، انتخابات تعیین شورای
ده موافق اصل هفتم قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران و بر طبق آیه
شریفه قرآن مجید که میفرماید: "وامر
هم شورابینهم" و "ساورهم فی الامر"
برقرار گردید که برای اکثریت قاطع
اهالی مستضعف روستا، افسراد زیر
بترتیب آرا انتخاب گردیدند، که ۵ نفر
اول عضواصلی و ۳ نفر دیگر ضوعولی -
البدل میباشند: ۱- قهرمان سنایی
۲- اسماعیل طولی ۳- عظیم رضایی
۴- جعفر نامدار ۵- مقصد وطن دوست
عبدالله رضایی ۶- ابراهیم حاتمی
حسن احمدزاده.

نمایندگان انتخاب شده موظفند
که در کلیه امور عمرانی، اقتصادی،
سیاسی، اداری و بهداشتی و غیره مشکلات
روستائیان مستضعف را با نهاد های
انقلابی، که از من انقلاب ضدامیرالیستی
و ضد استعماری برهبری امام خمینی
برخاسته اند، در میان بهاده و در رفح
امور در جهت تقویت و تحکیم و تعمیق
انقلاب و رهبری انقلاب کوشا باشند
اعضای شورای ده نیز متعهدند که
نهایت کوشش و همکاری را با نمایندگان
منتخب خود بنمایند که البته وظایف
کلی با شرح و تفصیل در ورته پیوست
تنظیم می گردد.

روستای این سند و امضا و اثر
انگشت برای نهاد های انقلابی و
روزنامه ها ارسال شده است.
همانطور که در متن سند موبد
تشکیل شوراهای ده است، سورا بدرستی
وظیفه دارنده است که با استفاده از
امکاناتی که دولت باید در اختیار آنان
قرار دهد، کلیه مسائل و مشکلات
روستائیان را، با کمک نهاد های انقلابی
و با شرکت خود دهقانان، مرتفع سازد.
بویژه در این هنگام که هیئت های هفت
نفری کار اجرای قانون اصلاحات ارضی
را آغاز کرده اند، بر سوراهاست که با تمام
توان خود با هیئت مذکور همکاری کنند،
تا قانون اصلاحات ارضی بدرستی و بسود
دهقانان تهیدست اجرا گردد.

شوراهای مردمی میتوانند و باید
در تعمیق و گسترش انقلاب شگوه مندمان
نقش بزرگی را ایفا کنند، و با یاری جهاد
سازندگی ده رانوسازی کنند و چهره ای
که سبسته انقلاب بزرگ ما باشد، به آن
بخشند و با کمک ادارات و مسئولان
متعهد دولتی، به اقتصاد ده و امور
کشاورزی سامان دهند و زمینه ازدیاد
محصول را فراهم کنند. هم چنین کمک
بر رفع نیازمندیهای از قبیل سورا
رختشویی و روغن و نفت و آرد - که
مسائل حاد روستائیان تهر تنگده است
از وظایف سورا است.

جنگ هستیم".
این منطقه به سبب موقعیت
جغرافیایی، دارای آب و هوای مساعد
کنت و اراضی بسیار حاصلخیزی است،
لیکن روستائیان زحمتکش در زیر
گذشته تحت شدیدترین محرومیت ها و
فقر و فلاکت و غارتگری ها قرار داشتند.
اینک، بنا به گفته حجام، دست
برخی از بزرگ مالکان از روستا کوتاه
شده است، که مایه سرت و شادی
روستائیان تهنی دست است. لیکن این
کار باید ادامه یابد، که بطور قطع
ادامه می یابد. باید به وضع تمام اراضی
رسیدگی شود و قانون اصلاحات ارضی
در مورد تمام زمین های مشمول به اجرا
در آید. باید دست تمام بزرگ مالکان
از روستا قطع گردد و این بلا ناسود
شود. باید هم زمان با اجرای اصلاحات
ارضی، وسایل کار کشاورزان سربازان
فراهم گردد، تا روستائیان تهنی دست و
محروم، به یمن انقلاب بزرگ خود، با
این وسایل بر روی زمین های آزاد شده
کار کنند و با دست توانایی خود برای
کنور تولید بیشتر و استقلال و سلامت
اقتصادی را به ارمان آورند.

دیگران به صورت سهم بری (یک به ۵)
کار می کنند و بعضی در شهر به کارگری
مشغول هستند.
حجام، دهقان چهل ساله ای
که عضو شورای ده است، در مورد
مسائلی که اهالی با آن ها روبرو هستند
می گوید:
... بعد از انقلاب کسانی که
در ده معتاد بودند، در صدد ترک
این بلای خانمان برانداز برآمدند. از
بلاهای دیگر روستا، بلای بزرگ مالک
است، که در تمام دوره طاغوت به
مراغه جنگ انداخته بودند و با همکاری
پاسگاه همیشه بلای جان روستائیان
بودند. اکنون با همکاری هیئت ۷
نفری و شورای مرکزی اسلامی دست
قسمتی از آنها کوتاه شده است.
حجام در پایان، در مورد جنگ
تجاوزکارانه و تحمیلی رژیم صدام به
ایران و اقداماتی که به وسیله اهالی
انجام شده است، می گوید:
... در روستاهای اطراف برای
کمک به جبهه جنگ اقداماتی شده
است. در ده ما نیز به ابتکار خودمان
در صدد گردآوری مبالغی برای جبهه

روستای چای قوشان کوچک، یکی
از روستاهای بخش کلانله در شمال
سرقی کنبد کاووس است. این روستا
۷۵ خانوار را در بر می گیرد و جمعیت
آن ۷۵۰ نفر و دارای ۷۰۰ الی ۸۰۰
هکتار زمین دیم است.
اهالی این روستا از نظر آب
سیرین در مضیقه هستند و با خودیاری
چاهی به عمق ۲۵ متر حفر کرده اند،
لیکن به آب شور رسیده اند. آب
آنامیدنی اهالی از رودخانه تا مین
می رود، که خود موجب بروز انواع
بیماری ها می گردد.
صنعت رایج دستی در روستای
چای قوشان قالی بافی است، که
وسیله گذران زندگی اکثریت خانواد
ها است.
در این روستا از درمانگاه و
حمام خیری نیست. در روستا شورا
تشکیل شده است و افسراد شورا
از بستنیانی و حمایت اهالی برخوردار
مستند. جهاد سازندگی به اهالی
روستا گفته است که بودجه آب چای
قوشان تصویب گردیده و در نوبت است.
دهقانان بی زمین بر روی اراضی

ضرورت ایجاد تعاونی در روستای با یجق قاتار، برای
فروش محصولات کشاورزی به قیمت عادلانه

استفاده از یکی از جاهای آرتزین،
لوله کشی آب روستا را پایان رسانده
و این خود موجب ایجاد حمام شده
است. بودجه لوله کشی بوسیله جهاد
و مردم تامین گردیده است. دانش -
آموزان راهنمایی روستا برای ادامه
تحصیل به بخش نظام آباد، که در
دو کیلومتری قرار دارد، می روند.
اهالی روستا بهنگام بیماری بهکنبد
میروند.

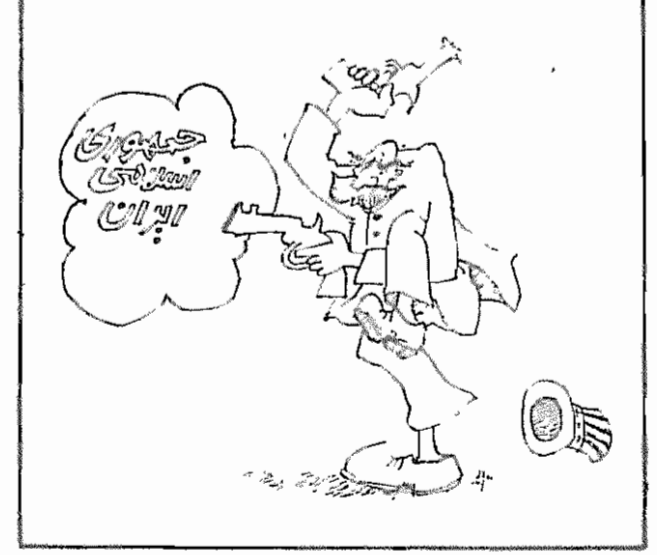
برای بهبود زندگی
روستائیان و تسویق روستائیان به
کنت بیشتر و سالم کردن محیط
اقتصادی حتما ضروری است که به
غش واسطه ها در بالا رفتن قیمت
اجناس و اوراق و احتکار و فشار بر مردم،
اعم از تولیدکننده و مصرف کننده و
ایجاد ناراضی حدانوجه کرد.
برای اینکه دست واسطه ها از این
بخش از اقتصاد کشورمان کوتاه شود،
هم زمان با اجرای قانون اصلاحات
ارضی بود دهقانان تهیدست و
تدارک وسایل کار و زندگی برای آنان
باید انواع گوناگون تعاونی ها در
روستاها ایجاد گردند. دولت نیز از
هم اکنون باید ضمن ایجاد تسهیلات
برای کار آنها، محصولات راه بهای
عادلانه مستقیماً از آنها خریداری کند.

در سال گذشته، اهالی
بطریق تعاونی حدود ۱۷۰ هکتار
راگندم و بقیه را بینه کاستند. بهنگام
برداشت گندم، روستائیان چون جایی
برای نگهداری آنها نداشتند، گندمها
را به شهر آوردند. ولی در شهر دولت
گندم را بونتی ۲۸ تومان قیمت -
گذاری کرده بود که اصلا صرف نمیگردد.
دلالتها سو استفاده کردند و گندم را
به قیمت ۲۹ تومان از روستائیان
گرفتند. بدینسان گندم روستائیان
بدست واسطه ها افتاد. واسطه ها
گندم را در سلوی منطقه انبار کردند
وزمانی که دولت سهای گندم را بالا
برد، واسطه ها گندم را با قیمت جدید
به دولت فروختند و با احتکار کردند،
تا بازم قیمت بالا رود.
این سونه نسان میدهد که
تاجه انداره سیاست قیمت گذاری
دولت و تصمیم خرید محصول به
قیمت عادلانه اهمیت حیاتی دارد.
این واقعیت در مورد تقریباً همه
محصولات و در همه مناطق کسور صدق
میکند.
در روستای با یجق قاتار،
جهاد سازندگی حوی بیوظیفه خود
عمل می کند. جهاد سازندگی سا

روستای با یجق قاتار، که در
محل به قره سوم سوم است، در جاده
سهرستان کنبد کاووس به آزادشهر در
کنار یل قره سو، در ۲۵۰ متری سمت
شرق قرار دارد.
روستای با یجق قاتار در
حدود ۴۵ خانوار ترکمن و ۲۵ الی ۳۰
خانوار زابلی را در بر می گیرد. زابلیها
بر روی اراضی مزروعی سکونت دارند.
از اغانی ترکمن در حدود ۱۸ خانوار
فامدرمین هستند و در حدود ۴ خانوار
ن هکتار زمین دارند. همچنین ۲ الی
۳ خانواده، ۱۲ تا ۲۵ هکتار زمین
و بقیه در حدود ۱۲ هکتار زمین
دارند.

بعد از انقلاب، حدود ۲۲۵
هکتار زمین از سررک مالکان منطقه
مصادره شد، که در آنها مقداری گندم و
نبه کنت گردید و دهقانان محل
بیز سهم خود را از محصول بدست
آوردند. اراضی مصادره شده بدون
استناد دارای حدیثی طلع حاه
هستند که آب لازم برای کنت را
بطور کامل تامین میکنند. در تمام
این زمینها میتوان نبه سز کاست.
چون اکثر خانواده های -
زمین و کم زمین هستند، حیوانان ده
بمسطور یافتن کاره شهر و نقاط دیگر

اهالی لوران (بندر جاسک) محیط سالم بهداشتی می خواهند



ندند.
اینک مدت دز سال از انقلاب
میگذرد، لیکن متأسفانه تا
کنون مسئولین هیچ اقدامی برای
تعمیر مسر کانالها، که برای
اهالی مطهر خدمت و سیاست
طایر است، بعمل نیارده
اند. لازم است که منظر جلوه
گیری از ابتلا به ستر اهالی به
بیماری و ایجاد محیط سالم
بهداشتی ضمن تامین امکانات
درمانی و بهداشتی - برای
روستای لوران هر چه رود تر
ان کانالها تعمیر میریابند.

اهالی ارجاو مکان زندگیشان و
خطای کردن مطفه بوده است.
با وجود همه این مشکلات،
اهالی لوران به مقاومت خوبی
ادامه دادند و مسارل خود را
ترک نکردند. مسئولین سبانه
چون مقاومت اهالی روبرو
شد، در سال ۶۰ اقدام به
سام سوزی عدادی از مسارل
مسکونی کردند. اما کان آرا
اجراج گند، ولی حوسحخانه
سایروری انقلاب شگوه مندم
سردم ایران موفق به استکار

لوران قریه ای است که در دو
کیلومتری بندر جاسک و
در مجاورت ایستگاه نیروی
هوایی واقع شده است.
حدود ۹ سال است که
ماصلات منازل ایستگاه بوسیله
سه لوله از ایستگاه خسارج
می شود، یک لوله آن از سرق
روسامی گذرد و به دریایی -
برید، ولی دولوله دیگر از
وسط روستا و اسهای عربی آن
می گذرد. دولوله مذکور با
سب حاده و در مجاورت
مدرسه و مسجد قریه بوسیله ک
کابل حاکی کشده شده و

بارها، چه در دوران طاغوت و چه بعد از انقلاب سکومندان، گفته شده، و یا به صورت طرح پیشنهادی در نشست‌هایی که به مناسبت‌های گوناگون تاتری، از قبیل شورا، سندیکا و یا سمینار تشکیل گردیده، از طرف ارباب هنر و اهل تئاتر عنوان شده است که: تاتر برای این که مستقل باشد، باید خودکفا باشد.

این حرف، در بادی امر، نه تنها نامعقول به نظر نمی‌رسد، بلکه ظاهراً و یا علت ناسازگار با برخی نظریات صحیح در رشته‌های اقتصادی سکلی انقلابی بخود می‌گردد. ولی در واقع امر حطوط؟ آیا قیاس مع الفارقی صورت نمی‌گیرد؟ در این زمینه‌ها بی‌جا نیست به بحث نشست و یا کم و کیف مطلب، دقیق‌تر و رها از ذهن‌نمایی آسانا سد و عقاید و نظریات نوناگون را به نقد گذاشت. ملاحظه کنید، برای برخورد واقع‌بینانه به مسئله خودکفایی مالی تاتر، قبل از هر چیز نگاهی گذرا به نحوه تقسیم‌بندی دست‌اندرکاران تاتر بیفکنیم.

عده قابل‌توجهی از هنرمندان، کارگردانان و دبیر تعالان تاتر جذب موسسات هنری دولتی شده‌اند، که اخیراً بخشی از این گروه، در شکل اداری، از بقیه همکاران خود جدا شده‌اند. همه علاقمندان به هنر تاتر و سوبایی و تنوع آن امیدوارند که این جدایی به نفع گیری کلی از "حرفه" منجر شود. در حال حاضر متأسفانه ناور چنین امری، لااقل به ابسی زودی‌ها نمی‌رود، اگر چه باید دانست که در بسیاری از کشورهای متزقسی، هنرمندانی که مسئولیت‌های اداری و نقش سازماندهی به عهده می‌گیرند، ابتدا از حرفه و از هنر خویش جدا نمی‌شوند.

دسته دوم شامل گروه‌های آزاد تاتر است. این گروه‌ها از نظر افراد شکل ثابتی ندارند، بدین معنی که امکان دارد اعضاء این گروه‌ها از صحن دانسجویان، کارمندان، صاحبان مسائل آزاد و یا هنرمندان حرفه‌ای باشند. بنابراین در این‌جا بیشتر سانسنامه هنری گروه مطرح است تا افراد. در همین دسته باید بتوان تاتر دانشگاهی را نیز جای داد که بخش دیگری از تاتر ماست، اگر چه در حال حاضر به علت تعطیل دانشگاه‌ها شمال نیست. در نتیجه، بدین‌سری سمار، از بسن دانسجویان هنرمند در دل گروه‌های آزاد فعالیت می‌کنند. و بالاخره حرفه‌ای‌ترین بخش تاتر ما، با توجه به مفهوم اصیل واژه، "تئاترهای لاله‌زار" است: تئاتر لاله‌زاری! بدیده چند سوبه و جالب و ویژه‌ای که سابقه است سیرامون نقس و عملکرد و وسایل کار و نتایج هنری آن به تفکر و نتیجه‌گیری نیست. ررم گذشته، به علت حطت ضد مردمی خود، هرگز "تئاتر لاله‌زاری" را جدی نگرفت، مگر به مایه وسیله‌ای برای تخریب، گرامی، اساعه فساد و تباهی و ترویج ابتدال و بی‌خبری، اما، در اعطاق خود، این تئاتر بس از بسخ‌های دیگر با مردم در تماس بوده و آنها را به‌خود جلب می‌کرده و تحت تاثر قرار داده است. این تاتر در شرایط سلطه ررم ترور و احتیاق و

سیاست ضد فرهنگی و اقتصادی واسته‌آن، به معنای واقعی و اصیل "مردمی" نبوده است، ولی بالقوه می‌تواند نقس هنری، تربیتی، اجتماعی و معرفی موری را، در صورت برخورد رسه‌ای و انقلابی با آن، ایفا کند.

انقلاب سکومندان به رهبری امام خمینی، برخلاف تبلیغات سوء داندیسان و علی‌رغم ندانم‌کاری‌ها، با برخوردهای قسری تنگ‌نظرانه می‌تواند این گوسه از هنر نمایشی سورمان را هم، که باید به‌صورت مرکزی فرهنگی و بر تحرک درآید، بی‌نصب نگذارد و از هم‌اکنون می‌رود که تاتر انقلابی، با دستگیری هنرمندان راستین‌توده‌ها

در مسئله خودکفایی مالی، برخی‌ها، بدون توجه به شرایط خاص هر سیستم، فتوا می‌دهند که چنان‌چه هنرمند حقوق‌بگیر سد، تنیل می‌شود، از خلاقیت می‌افتد، فرسوده می‌شود و کارمندی‌شود... آنها زمینه اجتماعی و جوانقلابی را به‌کلنی نادیده می‌گیرند. در حالی‌که چنین پدیده‌ای را نمی‌توان هرگز جدا از ساخت دقیق و کامل جامعه و سیستم حاکم بر آن بررسی کرد. این‌گونه مطلق‌گرایان، که با آن‌همه ستاب حکم صادر می‌کنند، قاعدتاً به عنوان "الگو"، ملاحظه اروپای غربی و یا آمریکا حسم می‌دوزند. ولی حتی با این معیار هم آن‌ها اساه می‌کند. ملاحظه در کسور

محله بیکادلی)، یعنی مرکز توریستی و تفریحی، که لنگرگاه و قبله‌گاه آنها بوده، "خودکفا" هستند! این برای ما الگوی قابل تقلیدی نمی‌تواند باشد. آن‌ها طبیعتاً برای جلب مشتری و تامین گیشه، "نبض بازار" را درمی‌یابند. برای آن‌ها معیار اصلی "سود" سرمایه‌داری است و به آن‌چه توجهی ندارند، ضرورت‌های فرهنگی، ارزش‌های هنری و سوبه‌های رسد معنوی جامعه است. البته در جامعه سرمایه‌داری چنین برخوردی با هنر تاتر اصلاً عجیب نیست.

برعکس، در کسورهای ضد امریالیستی و مترقی، هنرمندان حقوق دائم و ثابت دارند، از نظر

خودکفایی مالی تاتر در ایران یا کمک مالی و فنی دولت به تاتر

معیشتی و زندگی تامین هسد و در عین حال باورترین وسکوفاتریس محیط‌هنری را هم با کار خلاق و بر سور خود ایجاد می‌کنند. حتی در احیاء و اجراء کارهای سکسیر، که از افتخارات تاتر انگلیس است، برخی از کسورهای ذکر شده گوی سبقت را از میهن درام‌نویس‌روده‌اند. در کسور ابرجناپتکار آمریکا، این سلطان بزرگ، بخش عمده تاتر حرفه‌ای و به اصطلاح "خودکفا" در خدمت فرهنگ مبتدل، مخدر و ضد مردمی است و خوراک نمایشی بعضی از کاباره‌ها و یا رستوران‌ها را تامین می‌کند. برخی مکان‌ها را هم ترتیب داده‌اند، که در واقع نوعی رستوران است، ولی تابلوی تاتر بر سر در آن نهاده‌اند. مردم برای صرف‌غذا و مسروب بدانجا می‌روند، در صک یک نمایشنامه سطحی هم، برای این که غذا و یا مسروب لذت‌بخش‌تر شود (!)، اجرا می‌شود... درست متناسب با تن‌روری خاص آمریکایی و ارائه شکلی بر مدعا و تهی از هرگونه محتوی جدی، عمیق و انسان‌ساز.

باز هم برمی‌گردیم به شرایط تاتر در جامعه خودمان. برای برخی این توهم بیس می‌آید که ملائروه‌های آزاد، "خودکفا" هستند. در صورتی‌که این‌طور نیست. اولاً افراد این گروه‌ها معمولاً از راه تاتر ارتزاق نمی‌کنند. بنابراین، کار تاتر برای آنها نمی‌تواند "حرفه" باشد و طبیعتاً در تقسیم‌بندی‌های همولی، تاتر آنانور را تشکیل می‌دهند. و ثانیاً، این گروه‌ها اکثر با کمک سازمان‌های دولتی نمایشنامه‌های خود را بروی صحنه می‌آورند. هیچ کدام از این گروه‌ها سالی در اختیار خود ندارند و معمولاً از امکانات دولتی استفاده می‌کنند و یا به‌ندرت از بخش خصوصی مدد می‌گیرند. در

کهنه امریالیستی انگلسان، که برخی از مسهورترین آثارهای دنیا را هم دارد، از رمایی که دولت محافظه‌کار مارتر ناهرت‌روری کار آمده و قسمت عمده بودجه فرهنگی، از جمله تاتر را، به بهانه بحران مالی - همان‌طور که از آسار بدیبهی سیستم سرمایه‌داری است - قطع کرده است، تاتر بر سابقه این کسور رو به افول گذاشته است. باید یادآور سویم که اگر گروه‌های خوب تاتر این کسور، با کمک هزینه‌هایی که از بودجه دولتی برداخت می‌شد، به اصطلاح سرپا بوده‌اند. از طرف دیگر، باید در نظر گرفت که به‌علت فرهنگ خاص اروپایی، که موضوعی مربوط به تاریخ و سراسریست اجتماعی این قاره، برخورد مردم با تاتر چیزی است دور از تصور و تجربه تاتر ما. ملاحظه کنید بعضی از نمایش‌ها بین از یک‌ربع قرن‌روری صحنه می‌ماند و یا اگر یک تاتر یا یک گروه کوچک آمانور برای انتخاب هنر سیه آگهی کند، صدها داوطلب متاق مراجعه می‌کنند. آیا با چنین اختلاف فاحسی در امکانات و شرایط، می‌توان به راه‌حل‌های واحد و تقلیدی دلخوس کرد؟

در کسور ما، بعد از انقلاب بزرگی که باید در همه جوانب زندگی معنوی مردم ما تحولی ررم‌دگرگونی همه‌جانبه بوجود آورد، سوسازی و دگرسازی هنر تاتر نمی‌تواند بر سالوده ععیدتی "خودکفایی مالی" تاتر اسوار تردد. میهن‌انقلابی ما بی‌خواعد به برابه سر خار و بر تودال سرمایه‌داری برود و هنر وسیله سول‌اندوزی شود. اگر هم غرب‌زدگان ما، لیسرال‌های طرفدار "آزادی" هنر، و در واقع بی‌بندو باری آن، دلیل بی‌آوردی که اکثر تاترهای حرفه‌ای لندن (اطراف

و واسته به مردم و سیهته مردم، در تاتر لاله‌زاری سز احیاء شود.

همه می‌دانند که در ررم‌واسته نذسته، برخی از روستفکران، گاه به علت عدم توانایی در درگوارزایی مسائل، و گاه به سبب علائق طبقاتی، در دام فرهنگ تحمیلی مسج‌کننده و واسته‌کننده سرمایه‌داری امریالیستی می‌افتادند. به‌هنگم بررسی موضوع موردحس، در افق آینده می‌توان این گروه از روستفکران وابسته را، که آگاهانه در خدمت فرهنگ سرمایه‌داری و نظام طاغوت بودند، به کناری نهاد - آن‌ها دشمن انقلاب‌اند و انقلاب نیازمند آن‌ها نیست. صحت می‌تواند از گروهی باشد که سیستم گذشته آن‌ها را از ساخت درست مسائل دور می‌ساخت، آنها را از مردم و از خودسان و از هنر اصیل انسانی بیگانه می‌ساخت. برخی از اینان، متأسفانه، مسائل را اغلب با معیارهای جوامع سرمایه‌داری می‌سنجیدند و می‌سنجند. برخی دیگر از اینان، به علت عدم درک شرایط و برداس نادرست از واقعیت اوضاع، به ذهن‌گرایی سیده‌سده‌اند و هم‌اکنون نیز از افسون‌های آن بر-کنار نیستند. در زمان حاضر، به علت محیط حاکم بر گذشته تاتر و زندگی هنرمندان و به‌علت ندانستی جهت درست فکری، خطر آن‌که بسیاری از آن‌ها در دام اندیشه‌های لیسرالی بی‌افتند و منافع عالیه انقلاب را درک نکنند و جای خود را در کنار خلق خود به فوریت و با قاطعیت نیابند، کم نیست. در حارجوب و بر رمنه، همه این مسائل است که باید مسئله خودکفایی مالی تاتر یا ضرورت کمک مالی و فنی دولت را به تاتر مطرح ساخت.

حزب امریکائی «خلق مسلمان» فعالیت خود را در تبریز تشدید کرده است

در حال حاضر وابستگان ایس حزب ضدانقلابی به اشکال مختلف در میان مردم تبلیغات ضد-انقلابی می‌کنند و می‌کوسند با اخلال در امور مختلف، از جمله تسکیل شوراها و کنترل و توزیع ارزاق توسط سازمان بسیج مستضعفین مردم رانست‌به انقلاب ورهبری آن مدسین کنند، کار این حزب ضدانقلابی و عمال آن به حای سیه‌سده است که وقتی کارخانه‌سرمایه‌دار فراری (از جمله کارخانه‌ساز سمس آذر) از طرف دادگاه انقلاب تبریز مصادره شده، سرمایه‌داران

سبس از آن‌که مردم انقلابی تبریز بساط ضدانقلابی حزب به اصطلاح "خلق مسلمان" را درهم سکند. سرمایه‌داران نو بازار ایران وابسته‌به این حزب، اجناسی را که خود احتکار کرده بودند، برای گان و ساسا قیمت‌نازل بین اهالی این مناطق سخن می‌کردند، احتیاسی که (بودر، روغن نباتی، برنج و...) در محلات دیگر اصلاً یافت نمی‌شد، آنها با این سوبه می‌کوسند با گاهی برای فعالیت‌های ضدانقلابی خود در این منطقه بدست‌آورند.

همزمان با تدارک توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و تسدید حملات ضدانقلابی داخلی، حزب امریکائی "خلق مسلمان" نیز فعالیت خود را در تبریز تشدید کرده است. این حزب فعالیت خود را در محلات فقیرنشین حون خیابان سمس تبریزی و کوی محاهدیس متمرکز کرده است. در این محلات "خلق مسلمانها" علناً بر دستا وردهای انقلاب و رهبر انقلاب اهانت می‌کنند، بر اساس اطلاعات رسیده،



طاعوتی سهر اقدام به انتشار اعلامیه علیه آن کردند.

ماهیت و شیوه عمل صندوق بین المللی پول

**کمک مالی به
حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!**

بمناسبت تولد پیروز ۲۰۰۰ ریال
اهدائی ر. مرصیه، سکه بهار آزادی
جمع آوری شده در جشن عروسی
ر. دانش ۱۲۰۰۰۰ ریال
ت. ب. ۲۰۰۰ ریال
آرش و آذرخش ۵۳۵۰ ریال
ع. نورائی ۱۰۰۰۰۰ ریال
م. از دبیرستان پسراندهخت
۱۰۰۰۰ ریال
سینتا ۱۰۰۰ ریال
بانو خ از تهران ۱۰۰۰ ریال
الهوردی، ج. ازمیانه ۵۰۰۰ ریال
ماندانا ۱۵۰۰ ریال
سودابه ۲۰۰۰ ریال
ح. ح. از رشت ۱۰۰۰۰ ریال
جشن عروسی «ی» و همسرش
ریال ۵۲۶۷۰ ریال
از دانشکده علوم اجتماعی - در
حلقه الکتو طلا و یک حلقه
انگشتری و یک عدد سکه رومی
نازلی ۱۰۰۰۰ ریال
ر. از برلین غربی ۱۲۰ مارک
هدیه عروسی، س. نیمسکه طلا
چندتن از رفتای درگز ۶۶۰۰ ریال
آ. ون. از تایباد ۱۷۵۰ ریال
چند نفر از رفتای تایباد ۴۶۰۰ ریال
ت. ج. ۶۳۰۰ ریال
اکبرینه کلاهی از ساری ۵۰۰ ریال
ا. ش. از کسما ۱۰۰۰ ریال
دختران دانش آموز شهرستان
انزلی ۱۵۰۰ ریال
روزبه کوچک از بندر انزلی
ریال ۵۰۰۰

صندوق بین المللی نیست، بلکه تشنه رقابت و زور آزمائی
انحصارات و دول امپریالیستی بر سر دایره نفوذ است.
از «حق برداشت مخصوص» به منظور تأمین موازنه
در مبادلات بین المللی و پرداختهای ارزی دول عضو و
محاسبات پولی - مالی بین آنها استفاده می شود. هدف
ایجاد «حق برداشت مخصوص» سالم سازی سیستم
پولی سرمایه داری و رفع بحرانهای ارزی بسود دول
امپریالیستی بود. اما این اقدام نیز نتوانست مشکلات
مالی-پولی دول امپریالیستی و جهان سرمایه داری را
برطرف سازد. از آنجا که «حق برداشت مخصوص»
واحد پولی فاقد ارزش و تضمین واقعی است، بکاربردن
آن، در شرایطی که حقوق اکثریت قاطع دول عضو
در صندوق بین المللی پول بسود قلیلی دول امپریالیستی
نقش میگردد، بجای رفع بحرانهای مالی-پولی، بر شدت
آنها افزوده و می افزاید. یکی از نشانه های آشکار
این بحران، تزلزل اعتبار پول های دول امپریالیستی در
مقیاس جهانی است.

تشدید بحران سیستم مالی - پولی در جهان
سرمایه داری، نقض مداوم موازنه پرداختها، تغییر تناسب
نیروها بین دول امپریالیستی در زمینه غارت ثروت و
استثمار کشورهای در حال رشد، منازعات و برخوردها
های دول امپریالیستی را حاد و حادتر می سازد. سیستم
مالی - پولی که در برتن وژو پایه گذاری شد، عملاً از
سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) موقوف شده و جای خود را به
«فرخهای شناور» (یعنی نرخهایی که به تناسب عرضه
و تقاضا در بازار جهان ارز نوسان پیدا می کند) داده
است. لیکن «فرخهای شناور» نیز نتوانسته بحران مالی-
پولی امپریالیسم را، که از ماهیت غارتگرانه و سلطه-
جویانه آن ناشی می شود، برطرف سازد.

فعالیت صندوق بین المللی پول در شرایط سلطه
معدودی دول امپریالیستی، بسرگردگی آمریکا، بر
این صندوق، متوجه توسعه عرصه غارتگری سرمایه-
های انحصاری، ایجاد تورم در گردش پول و دامن زدن
به تشنج در مناسبات مالی - پولی و تشدید غارت و
وابستگی کمک گیرندگان از صندوق بسود دول
قرض دهنده است. در تحلیل نهائی، صندوق بین المللی
پول در شرایط کنونی، همان ماهیت بانکهای امپریالیستی
را دارد، مضافاً به اینکه این صندوق یک بانک ماوراء
انحصاری جهانی است، که نقدینگی مختصر کشورهای
عضو در حال رشد را نیز بسود منافع سرمایه های عظیم
مالی امپریالیستی مورد بهره برداری قرار می دهد.

آنها انجام می دهد. از راه سلطه بر منابع پولی و ذخایر
ارزی کشورهای عضو، صندوق بین المللی پول در تعیین
سیاست اقتصادی این کشورها دخالت میکند و بخصوص
کشورهای قرض گیرنده را به تار عنکبوت سازمانهای
مالی بین المللی امپریالیستی می کشاند. از این شبکه
است که دول امپریالیستی و در راس آنها آمریکا به
حساب منابع مالی و پولی کشورهای فقیر ارتزاق می-
کنند و فربه و فربه تر می شوند.

در دوران فعالیت ۳۵ ساله صندوق بین المللی پول،
ایالات متحده آمریکا بزرگترین نفع را از این سازمان
مالی - پولی بین المللی بدست آورده است. دولت
آمریکا بویژه با استفاده از نقش برتر خود در صندوق،
بسود تحکیم مواضع پول خود - دلار - و حفظ آن به
عنوان عمده ترین ارز در جهان سرمایه داری وسیعاً کمک
گرفته است. از این راه بخش مهمی از بار سنگین
تورم دلار به دوش کشورهای فقیر و در حال رشد
تحویل گردیده است.

یکی از مسائل بفرنج در روابط بین دول امپریالیستی
و بین دول امپریالیستی و کشورهای «جهان سوم»، مشکلات
کسرو موازنه پرداختهاست که، در شرایط بحران مزمن
سیستم مالی-پولی امپریالیسم، همچنان رو به گسترش
می رود. تصمیمات متخذه صندوق بین المللی پول در
رفع این مشکل همواره متوجه تأمین منافع دول
امپریالیستی و نادیده انگاشتن منافع مالی - پولی
دیگر کشورهای عضو بوده است.

صندوق بین المللی پول به منظور حل مسئله عدم
موازنه پرداختها، سیستم و اگذاری اعتبارات متقابل را،
بر مبنای ایجاد واحد پولی مشروط یا «حق
برداشت مخصوص» Special Drawing Right
بکار گرفته است. «حق برداشت مخصوص» به
عنوان وسیله احتیاطی در محاسبات بین المللی بکار
گرفته شده و بشکل یادداشت هایی در حسابهای مخصوص
دول عضو در صندوق بین المللی پول نگاهداری میشود.
«حق برداشت مخصوص» ابتدا با دلار برابری
داشت. لیکن از اول ژوئیه ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) یعنی پس
از کاهش ارزش دلار در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰)، این
برابری تغییر یافت. از آن زمان ارزش «حق برداشت
مخصوص» بطور غیر مستقیم بر مبنای برابری ارزهای
کشورهای امپریالیستی («سید ارزی») معین می گردد،
که سهم دلار تقریباً ۱/۳ آن را تشکیل می دهد.
چنانکه دیده می شود، تعیین «حق برداشت
مخصوص» نیز بیانگر تأمین منافع کشورهای عضو

مجلس شورای اسلامی ایران در جلسه روز
سه شنبه ۹ دیماه ۵۹ خود، ماده واحده مربوط به
افزایش سهم ایران از ۶۶۰ میلیون واحد حق برداشت
مخصوص به ۱۰۷۵ میلیون واحد حق برداشت مخصوص
در صندوق بین المللی پول را رد کرد.
این اقدام مجلس ضربه جدیدی است که از
جانب انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران به
سیستم جهانی غارت امپریالیستی وارد می آید.
به منظور آگاهی بیشتر خوانندگان نامه «مردم»
ما در زیر به تشریح ماهیت و شیوه عمل صندوق
بین المللی پول می پردازیم:

صندوق بین المللی پول سازمان پولی - اعتباری
دولتی است که هدف آن، ثبات مبادله بین المللی و
تأمین توازن بازرگانی در بازار جهانی سرمایه داری است.
صندوق عهده دار تنظیم روابط پولی بین دولتهای عضو
است و از طریق واگذاری اعتبارات کوتاه مدت به آنها،
مشکلات ارزی را، که در نتیجه اختلال در موازنه
پرداخت های دول عضو بوجود می آید، مرتفع می سازد.
صندوق بین المللی پول بنا به تصمیم کنفرانس
مالی - پولی منعقد در برتن وژو (آمریکا) در سال
۱۹۴۴ میلادی (۱۳۲۳) ایجاد شد و فعالیت خود را از
سال ۱۹۴۷ (۱۳۲۶) آغاز کرد. تا سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶)
۱۲۹ دولت به عضویت صندوق بین المللی پول در آمده اند.
مرکز اداری صندوق در واشنگتن، پایتخت ایالات متحده
آمریکاست.

در سرمایه گذاری صندوق بین المللی پول نقش
عمده از آن معدودی دول امپریالیستی و در راس آنها
ایالات متحده آمریکا است، بطوریکه هفت دولت عمده
امپریالیستی: آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان فدرال،
ژاپن، کانادا و ایتالیا بیش از نصف کل سرمایه
صندوق را در اختیار دارند. در این میان آمریکا ۲۰
درصد سهام و همان میزان آراء صندوق را در اختیار
دارد، که بوی امکان می دهد نقش انحصاری عمده ای را
در تصمیمات مالی-پولی صندوق ایفا کند. سهم کشور
های در حال رشد در صندوق بین المللی پول، با اینکه
قریب ۹۰ درصد اعضاء را تشکیل می دهند، بسیار ناچیز
است و حتی به ۱/۳ کل سهام نیز نمی رسد.

صندوق بین المللی پول یک مکانیسم عظیم انحصاری
ما فوق دولتی در حیطه مناسبات مالی - پولی در جهان
سرمایه داری است. صندوق عملاً وظیفه تمرکز منابع
پولی از همه دول عضو، بویژه دول کشورهای در حال
رشد را، بسود عظیم ترین انحصارات امپریالیستی و دول

علاقتمندان می توانند کمک
مالی خود را بحساب بانکی
به نام تقی کی متش و به شماره
۳۹۸۸ شعبه ۴۱۸ بانک ملی
ایران (شعبه دهخدا)، خیابان
شهید دکتر حسین فاطمی
بپردازند.

پشتیبانی رهبر یمن دمکراتیک از پیشنهادهای

اتحاد شوروی برای تأمین صلح و امنیت در

خلیج فارس

علی ناصر محمد، رهبر جمهوری دمکراتیک خلق یمن، اعلام
کرد که اقدام برای اجرای پیشنهاد اخیر اتحاد شوروی در مورد
برقراری امنیت و عدم مداخله قدرتهای خارجی در خلیج فارس، اهمیت
زیادی دارد.
علی ناصر محمد، خطاب به گروهی از افسران ارتش خلق گفت
که ابتکارهای سازنده اتحاد شوروی، می تواند شالوده محکم صلح
و امنیت در خلیج فارس قرار گیرد.

لشکری با دقت مورد رسیدگی
قرار گیرد، تا روشن شود: که
بوده اند و از کجا آمده اند؟ بر اساس
این بررسی باید عناصر فاسد
و مشرک و عوامل دشمن را شناخت
و از مقامات حساس کشوری و
ایران توطئه کند؛ چه دستهایی در
کار بود که جلیل شرکاء، دوست و
همکار هوشنگ انصاری را، پس از
انقلاب، بر راس بانک مرکزی
نشانند، که امروز در خارج از
کشور علیه انقلاب فعالیت می-
کنند؛ کدام دست العالی را با

بلکه آن دستهایی را که چنین
افرادی را بر مسندهای حساس
نشانده اند، شناخت. باید دید
چه کسانی نیک خلق عامل ساواک
را به معاونت وزارت بازرگانی
رسانند، تا علیه جمهوری اسلامی
ایران توطئه کند؛ چه دستهایی در
کار بود که جلیل شرکاء، دوست و
همکار هوشنگ انصاری را، پس از
انقلاب، بر راس بانک مرکزی
نشانند، که امروز در خارج از
کشور علیه انقلاب فعالیت می-
کنند؛ کدام دست العالی را با

معیار انتخاب مسئولان کشوری
و لشکری باید پیشینه روشن و
بی خدشه و باور مستحکم آنان
به انقلاب باشد، نه تظاهر به
دینداری، نه تظاهر به انقلابیگری،
که این آسانترین راه برای رخنه
در صفوف انقلاب و تسخیر مواضع
حساس آنست.

آن سوابق» بر راس بانک ملی
قرار داد، که بیبانه ماموریت از
کشور گریخت. و سرانجام باید
دید چه کسانی مرزها را برای
گریز عناصر ضد انقلابی گنودند.
باید سوابق کلیه مقامات،
بویژه مقامات حساس کشوری و

تقاضای «گارت سبز» کرد تا
«شهروند مفید آمریکا» باشد!
و این «شهروند مفید آمریکا»،
چون صدور «گارت سبز» را دور
و پیروزی انقلاب را نزدیک دید،
نقاب انقلابی بر چهره آویخت و
خود را بر مسند وزارت کشاورزی
انقلاب جای داد. زمانی هم که
چهره واقعی اش قش شد و از
مسند وزارت بر کنار افتاد، عطای
انقلاب را به لقایش بخشید و راهی
آمریکا شد تا «شهروند مفید
آمریکا» بودن را اثبات کند.

همین یک نمونه، اگر هم
نخواهیم بر عده ها و غرضها و
دستهای مرئی و نامرئی که در
کار بوده اند، تکیه کنیم، چقدر
بی اعتنائی نسبت به سر نوشت
انقلاب، چقدر ساده دلی و خوش-
باوری میخواهد، تا راه بر چنین
عناصری بگشاید.

امام خمینی میگویند:
«... ممکن است گاهی ساده
فکر کنند و یک کسی را که درست
نمی شناسند، سوابقش را درست
اطلاع ندارند و همانطوری که
خودش را ظاهر سازی میکند،
گول بخورند و وارد بکنند.»
ذخیره امپریالیسم هنوز با یاران
نیافته است. نباید غافل بود که
علی محمد ایزدی ها، امیران نظامها
و فریه ها، مقدمه راههای، علوی ها،
مدنی ها، با نامهای دیگر، سوابق
دیگر و عملکردهای دیگر در
صفوف انقلاب وجود دارند. باید
هشیار بود. باید نه فقط این
خطرهای بالفعل و بالقوه را،

خود در کوتاه مدت توفیق می یافت.
برای نمونه وزیر کشاورزی
دولت دگام به گام، علی محمد
ایزدی را در نظر بگیریم. شکستی بار
است که یک زمیندار بزرگ
مجبور و شیفته آمریکا، دارنده
نیم میلیون دلار پول نقد و خواهان
گارت سبز آمریکا، بعنوان وزیر
کشاورزی دولت انقلاب انتخاب
شود. بهر گوشه از زندگی او
که بیطرفانه نظر افکنیم، چنین
فردی صلاحیت احراز مقام وزارت
دوران انقلاب را نداشته است.
او که خود زمیندار بزرگ بود،
ملیاً نمی توانست مجری اهداف
انقلاب در بخش کشاورزی باشد،
که نخستین و عمده ترین هدف
آن، درهم شکستن زمینداری
بزرگ و واگذاری زمین به
دهقانان بی زمین و کم زمین است.
این زمین داران بزرگ آشکارا
وجود فئودالها را، که چون گله
زنبور به روستاها ریخته بودند،
انکار میکرد. او «شورای کشاورزی»
راه، که جمعی از فئودالها و
زمینداران بزرگ بود، تقویت
کرد و پول ویر داد، تا جنبش
دهقانی را سرکوب کند. تیرخ
دیگر علی محمد ایزدی، پیوند و
اخلاص درونی اش با امپریالیسم
آمریکا، دشمن شماره یک انقلاب
ایران بود. او نه تنها سابقه
مبارزه علیه رژیم طاغوت نداشت،
بلکه در بجهت حرکت انقلابی
خلق برای سرنگون ساختن این
رژیم پلید، احساس خطر کرد
و با آستان بوسی سفارت آمریکا،

ضرورت پاکسازی...

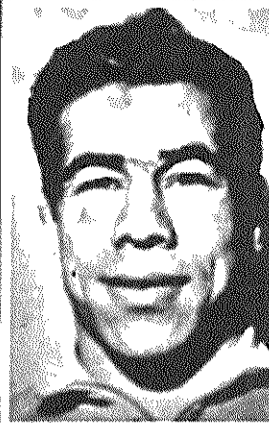
بقیه از صفحه ۹

های ضد امپریالیستی یکی نیست
و گوناگون است. ما در کشور
خود گواه آن بودیم که، زمانیکه
شاه ملعون نتوانست انقلاب را
سرکوب کند، بختیار با سیمای
«انقلابی» و شیوه عمل متفاوت با
سواک، به صحنه آمد. وقتی که
درایت امام خمینی، بختیار را نیز
از صحنه خارج کرد، امپریالیسم
عوامل دیگر خود را بنام عناصر
«انقلابی» در راس مقامات حساس
انقلاب (نزیه، امیران نظام، مقدم
مراغی، دریادار علوی، دریادار
مدنی) نشانند. و زمانی که اسناد
جاسوسخانه بدست آمد و این
چهره های پلید، بی نقاب شدند،
امپریالیسم از خورجین، مارهای
خطرناک ریز و درشت سولی هنوز
ناشناس- دیگری بیرون کشیده
و بجان انقلاب انداخته است.

هرگز نباید رسوائی چند سوره
را بمعنای پایان یافتن «بخاری»
امپریالیسم دانست. سوره های دیگر
با چهره های دیگر و شیوه های
عمل دیگر... و همین ها هستند که
آرام و خزنده در صفوف انقلاب
رنجه میکنند و بر حسب ضرورت
و تواناییهای خود، انقلاب را به
سوی می کشند که امپریالیسم
می خواهد.
امام خمینی در دیدار راهیث
تحریریه مجله سروش میگویند:
«شما میدانید که الان اینهایی
که انحراف دارند، مشغول فعالیت
هستند، هر چه جانی پیدا شود،

اینها داخل آن میشوند یک
صورتی. و ممکن است یکی از
آنها تمسیحی دستش بگیرد و
ریشی هم بگذارد و در حضور
شما نماز هم بخواند و اینطور
چیزها، شما باید فکر بکنید که
این سابقه اش چه بوده و چکاره
است... انتخاب افراد امر خیلی
مهمی است.»
این سخن پرمغز امام خمینی،
هشدار است به مسئولان درجه
اول مملکتی و نهادهای انقلابی،
که فریب ظواهر و دعای اشخاص
رانخورند، اگر مسلمان واقعی اند،
به ریش و تسبیح طرف دل خوش
نکنند؛ اگر دوستدار واقعی
انقلابند، سخنان انقلابی، آنانرا
نفریبند؛ به کردار و اعمال افراد
تمق و در سوابق آنها غور کنند.
برون و قال رانگرند، درون و
حال رانگرند.
امام خمینی میگویند:
«اشخاصی که اداره میکنند
یک جانی را، از اول ارزیابی شود
که این اشخاص چکاره بوده اند و
سابقه شان چیست و تحصیلاتشان
در کجا بوده و چه جور رویه ای در
تحصیلات داشتند و بعد از انقلاب
چه جور وضعیتی داشتند و قبلا چه
وضعیتی داشتند، افکارشان قبلا
چه بوده»
این رهنمود صائب امام خمینی
اگر از آغاز انقلاب مسد نظر
مسئولان بود، بسیاری از اعوجاجها
در روند انقلاب پدید نمی آمد،
فرصت های مغتنم ضایع نمی شد
و انقلاب به حل بسیاری از مشکلات

جهان پهلوان تختی از یاد نمی رود



دیروز به مناسبت سالگرد شهادت جهان پهلوان تختی، ورزشکاری که جان خود را در مبارزه بر ضد رژیم خائن پهلوی از دست داد، مراسمی بر مزار وی برگزار شد. تختی همواره الهامبخش همه ورزشکاران شریف و مین دوست ایرانیست. خاطره اش گرامی باد!

به خواستهای رانندگان اتوبوس بابل - آمل رسیدگی کنید

گرفتند، زیرا بدلیل نرسیدن روغن موتور، چند ماشین سوخت، ولی با هشیاری مقامات مسئول، از جمله فرماندار بابل، و توزیع روغن در سطح شهر، از این عمل جلوگیری شد. صاحبان اتوبوس و رانندگان بنگاه اتوبوسرانی بابل - آمل در نامه خود، ضمن تأیید توزیع روغن توسط ستاد سوخت رسانی، به شیوه اجرای آن که باعث می شود روغن بجای لیتری ۵۰ ریال بقیمت ۷۵ ریال بدست آنان برسد، اعتراض دارند. آنها پیشنهاد کرده اند که برای حل این مشکل و گرفتن بهانه از دست ضدانقلاب، در کنار ستاد سوخت رسانی، شورائی از مسئولان بنگاه های مختلف اتوبوسرانی و مینی بوسرانی و رانندگان کامیون و مسئولین مربوطه بوجود آید، تا مشکلاتی از این نوع، بدست خود آنان حل شود.

صاحبان اتوبوس و رانندگان بنگاه اتوبوسرانی بابل - آمل و حومه، طی نامه ای به فرماندار بابل، از نارسائیهایی موجود در توزیع روغن موتور اتوبوسها گله کرده و خواهان رسیدگی به این مسئله شده اند.

این بنگاه که با ۵۵ دستگاه اتوبوس، در خطوط بابل - آمل و بابل - بندپی فعالیت می کند و بیش از ۲۰۰ روستای بزرگ و کوچک را زیر پوشش خود دارد، از مدتی پیش با کمبود روغن ماشین مواجه است. کمبود روغن بجدی بود که رانندگان تصمیم به خواباندن اتوبوسها

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

**NAMEH
MARDOM**

No. 414
8 January 1981

Price:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صدوق پستی
۴۱/۳۵۵۹، منطقه
۱۴ پستی تهران

فریدون تنکابنی

شوخی نیست...!

اندر شناخت لیبرال و احوال وی

... و لیبرال، بروزن «شیره مال»، تاجری است با ترازوی نامیزان، از انقلاب سرخورده و پشیمان، و از وضع روزگار آزرده و پریشان. رنکری است که حنایش رنگی ندارد، باز هر لحظه تخم نیرنگی کارد و دام فریبی به میان آرد. گز اصفهانس مخل سلامت و قطاب یزدی به دور از حلاوت. سیاست راه هر روز در قیام و قعود، و عبادت راه هر شب در رکوع و سجود، لکن بهر سود، لچوج و عنود، و سرمایه هر دم در عروج و صعود. برادری را بی برابری خواهد. بر تعارف افزایش و از مبلغ کاهد. از بهر آزادی گریان و نالان، و از انقلاب بیمنانگ و هراسان. برای آزادی اشک تمساح ریزد و با انقلابیون جسور و گستاخ، نه شاخ به شاخ، بل موزیانه ستیزد. از وحدت خلق بیزار است و پراکندگی و دشمنی را خواستار، تا باز بر خر مراد سوار شود و بر سر خلق هوار گردد.

هر دم تفرقه اندازد، و نرد حیل و نیرنگ باز، و تخم عداوت و کینه کارد، شاید آب رفته به جوی باز آرد. بیت:

آن که شیران را کند روبه خصال
لیبرال است، لیبرال است، لیبرال
«خطر کمونیزم» را همه وقت و همه جا سراغ کند و آن را چاق کند و بر فرق خلاق نواز و طریق «القاء ایدئولوژی» هوار سازد.

و بورژوا لیبرال، جانوری است اهریمن خصال که نیندیشد جز به جمع مال و گردآوردن اموال، از هر مجرم و غیرحلال. با سرمایه دار وابسته در یک جوال و فی الواقع سگ زردی است برادر شغال.

در ظاهر موجودی است قشنگ و شیک، و دوستدار فرنگ و آمریکا، (همراه قافله، اما با دزد شریک). جز از آزادی سخن نراند، و برای آزادی یقه دراند، و پستان به تئور چسباند، و اشک حسرت از مژه چکاند. لیک از کلاه دوزی، پفتم زدن داند، و خود کامکی را آزادی خواند.

سود و سرمایه اش بیش، و از بهر آن همواره در تشویش. مرادش از آزادی، آزادی خویش. دشمن دهقان و کارگر و پیشه ور، و از حکومت مستضعفان آزرده و پکر. سلمانی اش به تسبیح و ریش، نه به بهبود حال خلق پریش.

رویدادهای جهان

در شانزدهمین سال مبارزه خلق فلسطین با اشغالگران صیویست سازمان همبستگی آسیا و آفریقا حمایت خود را از خلق قهرمان فلسطین اعلام داشت.

سازمان همبستگی آسیا و آفریقا باردیگر حمایت خود را از مبارزه برحق خلق قهرمان فلسطین، برای احقاق حقوق خود، ابراز داشت. این همبستگی در شانزدهمین سالگرد مبارزه فعال خلق فلسطین علیه اشغالگران اسرائیلی بعمل آمده است. سازمان همبستگی آسیا و آفریقا یادآور شد که فلسطین هفت اصلی مسئله خاورمیانه است و تا زمانیکه خلق فلسطین، حقوق حقه خود را بدست نیاورد، این مسئله حل نخواهد شد.

تشدید فعالیت نیروهای ضد سوسیالیستی در لهستان برای ایجاد هرج و مرج

نیروهای ضد سوسیالیستی در لهستان با افزایش فعالیت خود می کوشند بهر وسیله ای شده، در فعالیت حزب متحد کارگری لهستان برای عادی کردن اوضاع کشور کارشکنی کنند.

این نیروها می کوشند تا سازمانهای اجتماعی را تحریک کنند و با شعار تشکیل «اتحادیه همبستگی»، آنها را به سازمانهایی در مقابل ارگانهای حکومتی لهستان مبدل سازند.

محافل مخالف حزب متحد کارگری لهستان از مجاری «اتحادیه همبستگی» خواست هائی را مطرح میکنند که آشکارا جنبه برهم زدن اوضاع را دارد و اجرای آن موجب تشدید وخامت اوضاع در لهستان خواهد شد. این نیروها می کوشند با طرح خواست هائی که در روند تولید رفته ایجاد می کند، باعث ایجاد اشکالات بیشتری در تأمین کالا- های مورد نیاز مردم شوند و از این طریق اقتصاد کشور را به هرج و مرج بکشانند. نیروهای مخالف میخواهند با استفاده از این وضع، به هدفهای خرابکارانه خود برسند.

توسط نظامیانی که مستشاران آمریکائی آنها را رهبری می کنند: ۱ هزار نفر در سال گذشته در السالوادور کشته شدند

داردسته نظامی حاکم بر السالوادور، با آغاز سال جدید مسیحی، به سربرازان دستور داده اند که روستاها را به آتش بکشند و زنان، کودکان و پیران را تیرباران کنند. در انجام این دستورات، نظامیان عملیات سفاکانه خود را در سراسر السالوادور گسترش داده اند. یک فرمانده نظامی گفت:

«مقامات رسمی آزادی عمل کامل به ما داده اند».

این دستورات جدید برای سرکوب خلق السالوادور در حالی اجرا میشود که آمار حاکی از این است که در سال گذشته بیشتر از ده هزار نفر در عملیات جنایتکارانه رژیم السالوادور، که توسط مستشاران آمریکائی رهبری میشود، در السالوادور کشته شده اند. ولی علیرغم گسترش دامنه جنایات رژیم السالوادور، انقلابیون این کشور در استانهای مختلف به موفقیت های جدیدی دست می یابند و نظامیان را تارومار می کنند.

عربستان سعودی مامور تشکیل اتحاد نظامی در منطقه شده است

توطئه رژیمهای ارتجاعی عرب، برهبری عربستان سعودی، برای سرهم بندی کردن اتحاد نظامی علیه رژیمهای انقلابی و جنبش آزادی بخش منطقه هر روز بیشتر بر ملا میشود. «مبدل ایست» چاپ لندن نوشت: «عربستان سعودی مامور سرهم بندی کردن این اتحاد شده و این کشور اکنون تلاش دارد با

صدر حزب کمونیست آلمان:

افزایش بودجه نظامی آلمان فدرال، تحت فشار امپریالیسم

یافته است که حتی بودجه های اختصاص یافته برای آنها، کافی نیست. صدر حزب کمونیست آلمان تاکید کرد: «افزایش بودجه نظامی، که

صدر حزب کمونیست آلمان (فدرال) در مقاله ای در روزنامه «اوتزر ستایت» به اثرات وحشتناک ادامه مسابقه تسلیحاتی برای اقتصاد کشور اشاره کرد. وی در مقاله خود تاکید کرد که پروژه های نظامی، چنان ابعادی

تحت فشار امپریالیسم آمریکا صورت می گیرد، باعث کاهش میزان بودجه مصارف اجتماعی می شود.